

حق تعیین سرنوشت
حق مسلم خلقهاست

پیکار کردستان



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان ۵۹/۹/۱ بها ۲۵ ریال

جنگ ایران و عراق و جنبش مقاومت خلق کرد

جنگ ایران و عراق همچنان
باشد ادامه دارد و ابعاد تازه
تری بخود گرفته است. این جنگی است
ارتجاعی و ناعادلانه که برای
طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و
عراق نتیجه دیگری جز کشت و کشتار
بی‌خانمانی، فقر و فلاکت و ادا مستم
و استثمار توسط رژیم‌های ارتجاعی
دو کشور بی‌ارنیارده و نمی‌آورد.
در این جنگ از یکسو رژیم
بقیه در صفحه ۷

مخالفت با وابستگی یا ضدیت با جنبش مقاومت خلق کرد

چند ماه پیش رهبری سازمان
چریکها (اکثریت) در ملاقاتی که
با بهشتی داشت، در برابر خواست
بهشتی که گفت "بروید اعتماد را بسه
مردم کردستان منتقل کنید، یک
گروه با آن مقدار اعتبار و نفوذ اجتماعی
بقیه در صفحه ۱۱

گوشه‌هایی از پیکار خلق کرد



صفحه ۵

از "قارنا" و "قه لاتان" تا "ایندرقاش" و "صوفیان"

قتل عام زحمتکشان کرد

توسط ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی

رژیم ۳ پیکارگر دلاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

صفحه ۱۰

سرمقاله

رفقا!

اولین شماره پیکار کردستان
بتاریخ ۷ خرداد و ضمیمه آن در
تاریخ ۲۲ مرداد امسال منتشر شد
که مورد استقبال توده‌های
آگاه و روشنفکران انقلابی قرار
گرفت. اینکما دومین شماره پیکار
کردستان را تقدیم رفقا میکنیم.
بدون شك بلحاظ این تاخیر
در انتشار نشریه بکار ما انتقاد
وارد است. ما خود را موظف
میدانیم تا نسبت به این تاخیر
در انتشار توضیح داده و
سپس چند کلامی در بار ضرورت
انتشار و وظایف این نشریه و کلاً
درکی که از این وظایف داریم سخن
بگوییم.

در تابستان امسال، سازمان
ما دومین کنگره عادی سازمانی
خود را برگزار کرد. در این کنگره
اساسی ترین مسایل سیاسی
ایدئولوژیک، تشکیلاتی جنبش
کمونیستی ایران و سازمان ما بطور
بقیه در صفحه ۲

بیاد دو پیشمرگه شهید

رفقا

★ عطا برازنده
★ تیمور حسینیانی

صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

سرمقاله ...

بطور مبسوط و مشروحی مورد بحث و مبارزه اید نولوژیک قرار گرفت. فته و راجع به هر موضوع مورد بحث قطعنامه های مربوطه صادر گردید. ۱۰ بین مسایل مباحثی جدا از مبارزه توفند و توده های خلق بر علیه امپریالیسم و ارتجاع نبوده بلکه د قیاد ر انطباق با معضلات و پیچیدگیهای است که در این مرحله از رشد جنبش توده ای و مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی طبقه کارگر و خلقهای ایران، جنبش انقلابی و کمونیستی ما با آنها مواجه است. مسایلی که بدون یا سخگویی مناسب با آنها نمیتوان انتظار داشت که سازمانی بتواند به اجرای وظایف انقلابی خود در قبال طبقه کارگر و انقلاب توده ها بپردازد. البته قصد ما این نیست که در اینجا نتایج و دستاوردهای موفقیت آمیز کنگره سازمان را تشریح کنیم. ما خواننده را به مطالعه پیکار شماره ۱ که قبلا منتشر شده و اسناد کمگبوه سازمانی که در آینده نزد یکی منتشر خواهد شد دعوت می-کنیم.

روشن است که تدارک و برگراری کنگره خود موجب میشد که بخشی از نیروی سازمان با این کار اختصاص یابد و از سوی دیگر شوازی و سنگینی وظایف سازمان در کردستان به ویژه در شرایطی که کردستان در آتش جنگ تحمیلی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میسوزد، به ما این اجازه را میدهد که تشکیلاتی مناسب را به انتشار پیکار کردستان اختصاص دهیم. مجموعه این عوامل موجب تاخیر در انتشار پیکار کردستان گردید. ۱۰ پیکار پس از برگزاری موفقیت آمیز کنگره سازمانی و حول دستاوردهای سیاسی اید نولوژیک و تشکیلاتی آن، و بر اساس سازماندهی جدید پیکار کردستان را مجدداً با انرژی و توان بیشتری منتشر می کنیم. ما قبلاً در سرمقاله پیکار کردستان شگافا، بک، در باره ضرورت و وظایف پیکار کردستان به طور کلی صحبت کرده ایم، در اینجا سعی می کنیم آن وظایف و فوایدی که از آنها نا ارم را بطور مشخص تر و مشروح تر توضیح دهیم.

جنبش مقاومت خلق کرد، در ادامه انقلاب ناتمام دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقها در نیمه مان شکل گرفت. در جریان نزدیکه دو سال مبارزه در کردستان به خلق کرد به تجارب ارزنده ای در عرصه مبارزه ملی و طبقاتی دست یافته است. این مبارزه اشکال متنوع و پیچیده ای را از مبارزه طبقاتی و ملی سیاسی و نظامی را تجربه کرده و میکند، امریکه خود بررسی و نیز

میطلبند و ماد را آینه راجع به آنها سخن خواهیم گفت. اما جنبش مقاومت خلق کرد علاوه بر اینکه بطور اعم بعنوان یک مبارزه دمکراتیک در جهت تحقق تعیین سرنوشت مشخص میگردد دارای ویژگیهای خاص خود نیز میباشد که مختص شرایط ویژه مبارزه طبقاتی در جامعه ماست. همین ویژگیهاست که ضرورت پاسخگویی به آنها نیاز به انتشار پیکار کردستان را در چندان میکند. این ضرورتها کدامند؟ و ما آنها را چگونه می-بینیم؟

۱- مبارزه در کردستان در سطحی بالاتر از مبارزه توده ای در سایر مناطق ایران جریان دارد. در حالیکه بخش قابل توجهی از توده های این مناطق در توهم نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند و از رژیم پشتیبانی میکنند، در کردستان توده ها مسلحانه دست به مقاومت زده و بر علیه حاکمیت ارتجاع می جنگند. خلق کرد از آنجائی که بطور آشکار و روزمره با پوست و گوشت خود واقعیت ستم و سرکوب و وحشیانه رژیم را حس میکند، با این لحاظ هیچگونه توهمی نسبت به رژیم حاکم ندارد. بدون شک اعتلای جنبش توده ای و آزان بالاتر وجود موقعیت انقلابی در کردستان به خود عاملیست که تاکنون کردستان را سنگرمستحکم مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران کرده است. اما همین اختلاف سطح جنبش توده ای خود باعث نوعی "جدایی" مبارزاتی میان خلق کرد و مبارزه سایر خلقها گردیده است. واقعیت اینست که هنوز بسیاری از توده های توهم زده به جنگ رژیم با خلق کرد بصورت جنگ "شیعه و سنی" یا "اسلام و کفر" نگاه میکنند و به تأیید جنایات رژیم در کردستان میپردازند. برای اینکه بتواند به توده های توهم زده واقعیت جنگ رژیم و خلق کرد را توضیح داد، می بایست اهداف مبارزه عادلانه خلق کرد را وسیعاً تبلیغ و ترویج نمود و سعی کرد تا همبستگی مبارزه خلق کرد و مبارزه توده های سایر مناطق را تأمین نمود. از سوی دیگر به خلق کرد نشان داد که اگر مبارزه اش نتواند با مبارزه سرخ توده های پیوند حاصل نمود و تحت رهبری طبقه کارگر هدایت شود، قادر نخواهد بود راه بر فراز و نشیب مبارزه را طی کند. بنابراین کوشش در جهت تقویت و تحکیم و همبستگی متقابل مبارزاتی میان جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزه توده ای سرخ اولین وظیفه پیکار کردستان است.

همسویی دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق

* در سرکوب خلق کرد *

ارتش مزدور جمهوری اسلامی در تاریخ ۸/۱۷ روستای "نجه" مریان را مورد حمله قرار داد ، ارتش فاشیستی عراق نیز همزمان این آبادی را هدف حمله های خود قرار داد . در نتیجه دو نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی گردیدند .

ارتش مزدور جمهوری اسلامی در سه روزه اول آبانماه روستای های "کن لاجان" و "زو" و "راد پیرانشهر" را توپ و خمپاره برهم کوبید ،

ارتش فاشیستی عراق هم در همین زمان این آبادیها را خمپاره باران نمود .

در نتیجه چند نفر شهید و زخمی گردیدند و مردم شهر و روستا آواره بیابان و کوهستان شدند .

آیا این نشان نمیدهد که خلق کرد در شمن هر دو رژیم ارتجاعی میاشد ؟

آیا هدف این دو رژیم ارتجاعی چیزی جز سرکوب زحمتکشان و بویژه خلق کرد میاشد ؟

حد نمیتواند جد از رشد سیاسی عمومی توده های خلق کرد باشد بطوریکه میتوان گفت اکثریت توده های خلق کرد کوچکترین توهمی نسبت به ماهیت جنا پتکارانه و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ندارند ، رژیم حاکم ایران بجزعه های جاش و مزدور و اربابان و ملاکین سابق هیچ پایگاهی در کردستان ندارد . اما این واقعیت را نیز نباید فراموش کرد که ذهن سیاسی توده های با ایدئولوژی مکرانیک و سوسیالیستی طبقه کارگر با برنامه و مشی کمونیستی پرورش داده نشده است . هنوز هستند توده هاییکه ضمن اینکه با نفرت از رژیم جمهوری اسلامی سخن میگویند ، اما به نیروها و حقوق ارتجاعی توهم دارند . توده های باارزه میکنند ولی نسبت به سرنویست آتی جنبش آگاهی ندارند ، آنها از رژیم متنفرند ، لیکن در برخورد با آن هنوز به نیروی خلاق و سازنده خود باور ندارند . این ضعف از یک طرف

۲- یعنی دیگران ویژگیهای مهم جنبش مقاومت خلق کرد ، برجستگی مبارزه ملی در مقابل مبارزه طبقاتیست . در کردستان اقشار مختلف خلق از زحمتکشان شهر و روستا گرفته تا اقشار مرفه کرد ، عموماً حول شعار "خود مختاری" بسیج شده اند . اما هر کدام از این اقشار و طبقات ، بنا به منافع طبقاتی خود ، مواضع متفاوتی را از نظر میزان بیگیری در جنبش ارتجاعی میکنند .

ستم ملی و طبقاتی بیشتر از همه برد و ثواب "پائینی" سنگینی میکند . کارگران فصلی که بمناسبت بیگیری کسب میروند ، نه فقط بعلت "کرد بودن" کارهای پست با آنها واکنش رویشود ، بلکه انواع تحقیرها و اهانتها را بخاطر لقمه نان و مزد ناچیزه ناچار تحمل میکنند ، در حالیکه اقشار "بالایی" منافع کمتری را از جنبش خواهند برد و بنا به این دلیل ، از بیگیری کمتری بر امر مبارزه برخوردارند ، و تا یل به سازش و صلحی که بتوانند منافعتان را تامین کنند و آنها بیشتر است . این نتیجه سیاسی مهمیست که با توجه گیری مبارزه و بیجیدگی آن ، هر طبقه و قشری جبهه را انقلابی و سازشکارانه خود را نشان خواهد داد . این موضوع مشخص میکند که شعار "خود مختاری" هم بدو معنا درآمیشود . در یکی که "پائینی" ها از آن میکنند و مرادشان رهایی قطعی و نهایی از زنجیر و ستمیست که سالیان سال متحمل میشوند . و در یکی که "بالایی" ها از "خود مختاری" دارند . و آن بمعنای مشارکت در سهمیست که از استثمار توده ها نصیب بورژوازی حاکم میشود . بهمین دلیل میبایست کوشید ، آن شعارهای را تبلیغ و ترویج نمود که با اتکا به منافع طبقه کارگر و وحدت اقشار و طبقاتی را که واقعا خواهان انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی هستند ، متحد و یکپارچه گرداند ، شعار عمومی "خود مختاری" اگر نتواند بیانگر منافع توده های زحمتکش کرد باشد عملاً رخد مت بورژوازی قرار میگیرد . پس تبلیغ و ترویج شعارهای مشخص طبقاتی که بتواند منافع زحمتکشان کردستان را در اتحاد با طبقه کارگر تامین نماید ، وظیفه دو پیکار کردستان است .

۳- مبارزه جاری در کردستان در عمیقترین سطح یعنی مبارزه مسلحانه است . بند و ن شکرتقا مبارزه خلق تا این

بقیه در صفحه ۱۹

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

این در قاش و صوفیان قتل عام زحمتکشان کرد

بدست ارتش، بسیج مستضعفین و پاسداران جنایتکار

سیزدهم ابانماه امسال رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی باریک گرد ستهب جنایتی فجیع تر از فاجعه قارناوقه لاتان زد. پاسداران ارتجاع همراه با اوباشان "بسیج مستضعفین" از مناطق ارومیه، محمد یار و نقره برای باصطلاح پاکسازی "کفار" و بر واقع خلق زحمتکش کرد، به روستاهای "یوسفکند و قملعه" در حوالی مهاباد حمله نمودند. این جنایت پیشه پس از به شهادت رساندن پنج تن از زحمتکشان آبادی "یوسفکند" همچون لشکریان مغول دستبغا رت اموال و تالان روستا- ثیان زدند و سپس به روستای "این در قاش" رفته و بعد از تهدید و ارباب و شوکندجه و آزار مردم آبادی، اینجا نیز دستبغا رت اموال اهالی آبادی زد و دسترنج کار طاقت فرسای زحمتکشان را بزور اسلحه به یغما بردند و روستائیان را تهدید کرد که سلاحهای خود را بایستی به پاسگاه "محمد یار" تحویل دهند. در بیرون آبادی این مزدور را مورد حمله پیشمرگان در مکررات قرار گرفتند و بعد از دادن تلفات به روستای "این در قاش" عقب نشینی نمودند. اینبار پاسداران هر کس را که یافتند، به وحشیانه ترین شکلی با سرنیزه و قنداق تفنگ زخمی نمود و بارگبار مسلسل بشهادت رساندند. آنها بیش از بیست نفر فقط در مسجد آبادی در حال نماز بقتل رساندند، ده همتان از اهالی را که موفق بفرار شدند، بودند، دستگیر و بعد از کتک زدن و شکنجه فراوان با قلمه، چاقو و گبار - ۳ بخاک و خون کشیدند.

و سپس زنان و دختران آبادی را جمع نمود و ویشرمانه دستبسته ازیت و آزار آنها میزنند تا آنجا که حتی به یکی از دختران تجاوز نمودند. آری اینست معنای دفاع از "مستضعفین" که رژیم جمهوری اسلامی از آن دم میزند!

آری این نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی، بعد از قتل عام بیش از ۴۰ تن از زحمتکشان آبادی دستبچپاول اموال زد و هر آنچه را که توانستند غارت نمود و هر آنچه را که نتوانستند به آتش کشیدند و باریک یگر این در خیمان در رشت سر خود تلسی از خون و خاکسترو آتش باقی گذاشتند و باریک یگر معنای "حمایت از مستضعفین" و "مبارزه با امپریالیسم" رژیم را بخوبی نشان دادند.

همچنین در روز ۱۷ / ۸ با زهم پاسداران ارتجاع و جاقو کشتن قلمه بدست "بسیج مستضعفین" با هدايت ملاحسنى این مزدور مرتجع بدنیال همین برنامه منظم، به روستای صوفیان در حومه اشنویه حمله برد و با قتل عام زحمتکشان آبادی ۳۱ تن از اهالی پیرو جوان گرفته تازن مردم را با بیرحمی تمام به شهادت رساندند و ۲۰ نفر را زخمی نمودند. این مزدوران به عنوان بیاد اش خود، بغارت آبادی پرداختند و پول و اموال - روستائیان را چپاول نمودند. آیا این کشتارها با قتل عام زحمتکشان فلسطین در آبادی "دیراسین" بدست آدم - کشان صهیونیست فرقی دارد؟

بیشتر خون سرخ زحمتکشان روستاهای "این در قاش"، یوسف کند" و "نهال انقلاب خلقهای ایران را آبیاری کرده و نور نیست که دستانتقا مجوی خلق، سرکوبگران خلقهای ایران را به زباله دانی تاریخ بسپارد.

نوعه "پاکسازی" خلق کرد از زبان يك "پاسدار"

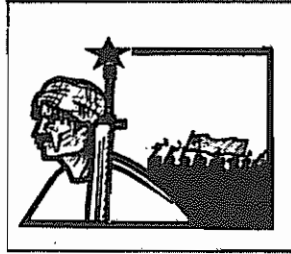
میگردند دو سه ساعت درگیر شدیم و پس از کشتن ۲۰ - ۱۹ نفر از آنها بقیه را فراری دادیم. خود این پاسدار سرما به با افتخار به کشتن چندین زحمتکش کردا قرار میگیرد. آری! خلق قهرمان کرد در راه دفاع از حقوق خویش به بیگانه خونین با ارتجاع ادامه میدهند و هرگز سلاح از کف نخواهد داد. پیروزی او در گرو مبارزه انقلابی اوست.



یکی از پاسداران میان دو آب در جمعی از "خلع سلاح" روستائیان کرد تعریف میگرد او میگوید که "کردها به هیچ وجه حاضر نیستند اسلحه هایشان را تحویل دهند و ما پس از درگیری فراوان و بزور شکنجه موفق می شویم زده ها خانه یک قبضه سلاح بدست بیاوریم. حتی اغلب کار به تیراندازی هم میکند و اگر زور ما بجز بدستما درگیر می شویم مثلا در یکی از دهات که مردم مقاومت

بنقل از "خبرنامه جنگ" پیکار شماره ۵

گوشه‌هایی از
پیکار خلق کرد



● کامیاران

۵۹ / ۷ / ۲۱: نیروهای ارتش ضد خلقی که بهمراه جا-شها و یاسد اران ارتجاع چند روزی بود در روستای "دولاب" (مقر سابق شیخ‌ها در یزد و روسا و اکی سابق) مستقر شده - بودند بطرف آبادی "سرچی" پیشروی نمودند اما پیشمرگان قهرمان کومه له و پیکار در تیک عملیات مشترک آنها را واداره عقب نشینی نمودند. مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی با پرتاب خمپاره (بو یژه خمپاره های "وتیلا" که در رهسوا منفجر شده و هزاران قطعه میگردند) سعی داشتند مردم آباد بیهای "کوله ساره" سرچی بطنه و هانمین "راکتارنما - بند که بار دیگر با ضربات کوبنده پیشمرگان روبرو شد و منجبور بعقب نشینی کامل از منطقه گردیدند. در این عملیات هیچ گونه آسیبی به پیشمرگان وارد نگردید.

کنکهای وسیع روستائیان این منطقه به پیشمرگان نشانسی از روحیه چشمگیری مبارزاتی این زحمتکشان بود.



مصادره بزنج بدست پیشمرگان
و تبلیغات ضد انقلابی
حزب خائن توده و جمهوری اسلامی

۵۹ / ۷ / ۱۸: در این تاریخ پیشمرگان پیکار در جاده کا-میاران سبندج موفق به مصادره انقلابی یلتریلر حامل بیش از ۲۰ تن بزنج گردیدند. این محموله برای اداره بازرگانی سبندج واز آنجاست برای بخش بین جاشها و یاسد ارها حمل میگردد. پیشمرگان با کمک وسیع زحمتکشان بزنجهارا به روستاهای طرف افسر به ود رانجا با همکاری رفقای کومه له آنرا بین زحمتکشان چند آبادی به نسبت هر خانواده نیم کیسه تقسیم نمودند. این عمل پیشمرگان با استقبال وسیع روستائیان روبرو شد. چه اینکه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلا

با محاصره اقتصادی کردستان ما ههاستکه مانع ورود ما - یحتاج مردم بو یژه روستائیان میگردد.

اما حزب بخائن توده که حاضر به همه گونه نوکری رژیم می- باشد در روزنامه "مردم" بارنامه تریلر را که با مضامین پشیمرگان پیکار رسیده بود چا پوا ینطور وانمود کرده بود که گویا بزنجهها بسبب مناطق جنگزده مرزی حمل می- شده است (آخر از نظرایین خائنین سننیکمرا بزان و عراق و خلق کرد کافر و وابسته به بعث عراق می باشد). جالب اینست که حزب معلم الحال جمهوری اسلامی هم عین این خبر حزب توده را بر روزنامه خود چاپ کرده است و بدین وسیله بار دیگر نوکری و حلقه بگونی حزب خائن توده را با اثبات رسانید.

اما از نظرم کمونیستها مصادره اموال دولت که از یکیدن خون زحمتکشان و جبا و لشره کار آنها بدست آمد است، امری است انقلابی و ما اینگونه مصادره را یکی از وظایف مبارزاتی خود میدانیم.

● مریوان

۵۹ / ۷ / ۲۶: در این روز مزدوران زرگاری در روستای گو-رگه ای مریوان دست به جنایت فجیعی زد و یکی از پیشمرگان حزب بد مکرات بنام کاک رشید نوروزی (ره شه لاج) را به شهادت رساندند. یاد شکر ایمی باد.

تشکیلات مریوان حزب بد مکرات عوام فریبانه اعلامیه ای صادر نموده و سپاه زرگاری را مزدور بعثت خوانده و به دینارهای عراقی خوانده و در جرف شعارنا بودی زرگاری را مطرح کرده است. اما مگر همین چند ی پیش نبود که حزب بد مکرات در تیک عملیات مشترک با مزدوران زرگاری به یک ستون ارتش ضد خلقی در حوالی کامیاران (شیرین سوار) حمله نمودند؟ البته اکثریت پیشمرگان حزب بد مکرات که از زحمتکشان کردستان هستند، از این روایط ناراضی اند. حزب بد مکرات موظف است در این باره به توده های خلق کرد و پیشمرگان خود توضیح دهد.

سقز

۵۹ / ۷ / ۲۷: در این تاریخ شب هنگام، توده از پیشمرگان پیکار (دسته شهید نجمه و شهید عیال) در شراب

پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد

اهالی بعد از تخلیه آبادی مقاومت ایستاده و بعد از چند ساعت درگیری، پاسداران ارتجاع را وارد ربه عقب نشینی نمودند. مقاومت مسلحانه زحمتکشان این د و آبادی را دیگر نشان داد که هیچ نیروی ضد خلقی یا رای مقابله با زحمتکشان متحد و آگاه را ندارد.

در این درگیری، نفرز پاسداران ضد خلق کشته شدند. از روستای کتیزیکفره شهادت رسید. یاد این شهید خلق گرامی باد!



● دیواندره

۵ / ۸ / ۵۹: بمناسبت چهلمین روز شهادت کاک شوان عضو مسئول کومه له د و دسته از پیشمرگان کومه له به پایگاه "ماموخ" (جاده دیواندره سنندج) حمله بردند و سلاحهای سنگین ضربات شدیدی بر آن وارد کردند. تلفات وارد شده در شندج قیقا مشخص نیست. پیشمرگان، بعد از این حمله قهرمانانه، همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

● مریوان*

۴ / ۸ / ۵۹: در این تاریخ پیشمرگان کومه له در روستای بیساران چند تن از مزدوران رژیم را خلع سلاح نمودند. این عمل رفقای کومه له بار دیگر نشان داد که خلق کرد و سازمانهای انقلابی جنبش مقاومت ضمن افشای ماهیت مزدورسپاه رژیم در هیچ شرایطی به مزدوران بعث اجازه فعالیت نخواهند داد.

یطایقه رژیم به نیروهای مزدور و رشاداد با شداد به بود، وارد شهر شدند و مورد استقبال مردم قرار گرفتند. پیشمرگان ابتدا بمپخشاعلا میگرد رخانهها و نوشتن شعایر و یوارها پرداختند و سپس دریی از خیابانهای شهر برای بدام انداختن دشمن کمین گذاشته و در حوالی ساعت ۲ شبی نارنجک انداز و سلاحهای سبک بمقرها شها و پاسداران (مکتب اسلام) حمله کرده و ضربات سنگینی بر آن وارد نمودند. از تلفات وارد به نیروها ضد دشمن اطلاع

در قیق در دست نیست.

رژیم در این درگیری از خمپاره انداز مسلسل کالیبر ۵۰ نارنجک انداز و سلاحهای سبک و سنگین استفاده کرد. در جریان این حمله یکی از پیشمرگان قهرمان سازمان، رفیق تیمور حسینی مسئول دسته شهید نجمه در حین عقب نشینی بوسیله گلوله مزدوران رژیم به شهادت رسید.

یادش گرامی و راهش پایدار باد!



۱۳ / ۸ / ۵۹: در این روز عمل رژیم ضد خلقی جمهوری

اسلامی سعی نمودند بمناسبت ۱۱۳ بان (روز دانش آموز) تظاهراتی بنفع خود برگزار نمایند. انسان با تهدید و ارباب عدو ای از دانش آموزان را به خیابانها کشاندند اما دانش آموزان رزمند که بارها و بارها شورانقلابی خود را در جریان جنبش مقاومت نشان دادند. این بار نیز با تبدیل تظاهرات بر علیه رژیم ضد خلقی مشتحمکی بردهان سرکویگران خلق کوبیدند. دانش آموزان با دادن شعارهای انقلابی بنفع جنبش مقاومت خلق کرد مورد استقبال وسیع توده راقرا گرفتند. مزدوران رژیم چاره را در دستگیری عدو ای از تظاهرات هرکنندگان دیدند. اما نه زندان و نه شکنجه و اعدام، دانش آموزان انقلابی را از میاززه بازنداشته و باز نخواهند داشت. وانان همچون گذشته تظاهرات مستقل خود را بر علیه رژیم ضد خلقی سازمان داد و وارد یگر نقش برجسته خود را در جنبش مقاومت ثابت خواهند نمود.

* منبع اخبار زیر خبرنامه های کومه له میباشد *

● ارومیه

۳ / ۸ / ۵۹: پاسداران و یادی ملاحسنی مرتجع در این روز به روستای "کانی سپی" و "زندشت" در جاده سلماس - ارومیه حمله نمود و قصد قتل و غارت روستائیان را داشتند که

جنگ ایران و عراق ...

فاشیستی بعث عراق قرارداد کوه برای حفظ سلطه ارتجاعی خویش ادامه غارت و استثمار و خلعها عراق بود و انطباق با سیاست امپریالیسم امریکا و حمایت از اردو دسته های مزدور اویسی، مائو فوایلزیان، دسته این جنگ زده است. رژیم مرتجع بعث که سالهاست خلعهای عراق و از جمله خلق کرد عراقی را بوحشیانه ترین شکلی سرکوب کرده و میزند و "سیاست زمین سوخته اش" در کردستان عراق ماهیت جنایتکارانه آنرا بخوبی روشن میکند، در پس فریب توده های این کشور و منحرف کردن دست مبارزه آنها، و همچنین باز پس گرفتن امتیازاتی که در معاهده الجزایر از دست داده بود و بالاخره برای مقابله با تحریکات رژیم جمهوری اسلامی در پشتیبانی این رژیم از جریاناتی چون "حزب الدعوة" بهترین راه را دست زد. نه با این جنگ یافته است. اکنون جنايات ارتش عراق در مناطق خوزستان و کرمانشاه و کشتار مردم بیدفاع این مناطق توسط آن یکباردیگر برده از ماهیت رژیم ضد خلقی صدام حسین و دواسته اثر بر میدارد.

طرف دیگر در این جنگ رژیم جمهوری اسلامی است که طی نزدیک بدو سال حاکمیت خویش کاری جز بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و انا ماه استعمار و ستم نسبت به زحمتکشان و خلعهای ایران نکرد است. سیاست این رژیم سیاست ادامه ستم بر خلعها، سرکوبها، زناستحرکات آنها، نابودی دستاوردهای قیام خونین ۲۲ بهمن و خلاصه حفظ و تحکیم منافع سرمایه داران و مرتجعین رنگارنگ بوده است. سیاستی که ناتوان از حل بحران اقتصادی سیاسی حاکم بر جامعه برای منحرف کردن ذهن توده ها، آنها را با ایده ارتجاعی "صدور انقلاب اسلامی" می فریبد و شتوانه ای برای جریانات مرتجع در کشورها و منطقه شده است. جنگ از جانب رژیم جمهوری اسلامی نه برای دفاع از "انقلاب" در ایران برپا شده و نه برای رهایی زحمتکشان عراق، جنگ از جانب این رژیم ادامه سیاست اش در اعمال ستم بر خلعها و سرکوب مبارزات آنها، اهداف جاه طلبانه آن در به اصطلاح "صدور انقلاب اسلامی" و کوششهای آن

برای ممانعت از ریختن توهم توده ها انجام گرفته است. ماهیت ارتجاعی این سیاست همچنین در مبادیان خانه و کاشانه زحمتکشان عراق توسط ارتش ضد خلقی بخوبی مشهود است و برده از عوام فریبی های رژیم مبنی بر پیشبرد "جنگ دفاعی" بر میدارد.

اما جنگ فوق در نقاط مختلف کشور تاثیرات متفاوت داشته است و توده ها بر خورد یکسانی با آن نداشته اند. در حالیکه در بسیاری از مناطق توده ها در نتیجه ناآگاهی از ماهیت جنگ و توهم نسبت به هیئت حاکمه و همچنین تبلیغات "سوسیالیستونها" (حزب توده خائن، سازمان چریکها (اکثریت) و حزب رنجبران) و "دفاع طلبان" (نیروهای مانند راه کارگروزمندگان که شرکت در جنگها "صفاستقل" را طرح می کنند) * فریب تبلیغات ریاکارانه حکومت را خورده و در شرکت شرکت جسته و یا انرا تأیید مینمایند، در کردستان وضع کاملاً برعکس است. در کردستان چه در شهرهایی که در کنترل پیشمرگان قرار دارد (مانند بوکان و اشونیه) و چه در شهرهایی که در تصرف ارتش پاسبانان میباشند، به جرات می توان گفت که کوچکترین حرکتی که نشانه توهم مردم به هیئت حاکمه و تاثیر تبلیغات آن باشد، به چشم نمیخورد. دلیل این امر بسیار روشن است. خلق کرد بیش از یکسال است که مورد شدیدی ترین سرکوبها و ستمگریهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته است و صحنه های کشتار و ویرانی ایکه جنگ امروز در شهرهای جنوبی کشورمان بوجود آورده است، را خود تجربه کرده است. برای خلق کرد مسلم است که رژیم جمهوری اسلامی، ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران ارتجاعی آن نمیتواند بخاطر دفاع از زحمتکشان مبین ما با رژیم عراق بجنگد. برای آنها مسلم است که "دفاع از مبین" در جنگ کنونی هیچ معنی دیگری جز دفاع از مبین ستمگران و استثمارگران و ادامه سرکوب ستم دیدگان ندارد. پاسخ شایسته مردم مبارزها با بد تظاهرات تیکه سپاه پاسداران، هواداران حزب توده خائن، هواداران سازمان چریکها (اکثریت) و هواداران کنگره چهارم حزب درکرات برای پشتیبانی از جمهوری اسلامی در * (برای شناخت جریانات "سوسیالیستونها" و "دفاع طلب" و ماهیتان با به ضمیمه دوم پیاره ۷ مراجعه کنید.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

رئیس جمهور دستور بمباران شهرهای عراق را صادر کرد

این جنگ، قصد برگزاری آنرا داشتند، نمونه جالبی برای توضیح موضع خلق کرد و نیروهای مبارزان در قبال جنگ ارتجاعی ایران و عراق میباشد. * این نمونه در کنار نمونه‌های دیگر مبارزات توده‌های ستمدیده خلق کرد و به همراه مبارزات مسلحانه پیش مرگانی قهرمان بیانگر ادامه جنبش مقاومت خلق کرد بمقابله آنها حرکت انقلابی در کردستان بطور مشخص در این شرایط است. حرکتیکه در چهار چوب تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی در شرایطیکه توده‌ها آماده‌گی آنرا دارند، قرار میگیرد. واقعیت اینست که خلق کرد بر اساس تجربه روزمره خود دریافته است که هر حرکت رژیم تحت هرویش و عنوان هد فی جز تحقیق و سرکوب توده‌ها و حفظ روابط ستامگران موجود دنبال نمیکند. بیش از یکسال گلوله باران شهرها و روستا

رئیس جمهور مسکود: "ما محبوریم از مردم سپهرانی که رژیم بعث عراق آنها را بیسوان ساکاه اسفاده میکنند سخاوت هم که سپهرها را برک کنند تا ما حواص آنها را دهیم." (کسیان ۱۹ مهر).

سی صدر مسکود: "ما شهرهای نخله سده را بمباران خواهیم کرد!"

ما مسکوشم: آقای رئیس جمهور! مردم عراق اکثر شهرهای خوبش را نخله کشنده کجا بروید؟! کرا آنها نخله نکردند چه؟ سنی صدر مسکود مردم ما بسپهرها را نخله کنند تا ما بمباران کنیم اما واقعیت چیست؟ بمبارانهای که تا کنون انجام شده نشان میدهد که جان و مال زحمتکسان برای بنی صدر سزما سد صدام خا...

ارزی ندارد. علاوه بر آن ای رئیس جمهور! فرض کنیم مردم این شهرها خراج سوند، مکر مردم زحمتکشان خانه‌ها را خود را هم مسوا کنند از شهر خراج کنند؟ سه! پس شما میخواهید خانه‌های زحمتکسان را بمباران کنید.

آری آقای رئیس جمهور! شما ما بسند صدام حسن میخواهید ما بمباران ما طبق مسکونی زندگی و خانه و کاشانه زحمتکسان را بنیاده کنید.

سما را ن مناطق مسکونی زحمتکسان عراق را توسط رژیم ایران و سما را ن مناطق مسکونی زحمتکسان ایران را توسط رژیم فاشیستی بعث عراق را محکوم می کنیم!

۱۳۵۹/۷/۲۰ سری ب - ت ش ۸۹ سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

روستاها، کشتا و سرکوب توسط ارتش سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، بیش از یکسال توهین و ناسزا، محاصره اقتصادی ... این حقیقت را به خلق کرد آموخته است که رژیم جمهوری اسلامی رژیمی ضد خلقی است و نمیتواند در جنگی به نفع توده‌های مردم شرکت نماید. خلق کرد میبندد هم اکنون که رژیم ضد ملی عراق قسمتی از خانه‌ها را تصرف کرده است، بخش مهمی از نیروهای ارتش و پاسداران برای ادامه سرکوب در کردستان مستقرند و یکدم از قتل و جنایت بازنهی ایستند و همچنان فجایع قارنا، قه لاتان را در "این در قاش" میسفکند و ... تکرار می کنند. نمایندگان بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم فریاد می زنند "میهن در خطر است" و توده‌های ناگناه را بی سلاح و بدون آموزش لازم بعنوان گوشت دم توپ به جبهه میفرستند

(* در تاریخ سپاه پاسداران با پشتیبانی هواداران حزب خائن توده، سازمان چریکها اکثریت و "کنگره چهارم" قصد برگزاری تظاهراتی در مهلباد را داشتند. هنوز چند لحظه ای از شروع تظاهرات "۳۰۰ نفره آنها نگذشته بود که مردم مبارزه با باد خشمگین از این همه وقاحت جلادان و کاسه لیسان رژیم، با سنگ و چوب بان حمله کردند و توطئه ارتجاع را درهم کوبیدند.

ولی از فرستادن لشکرهای بی که در کردستان مستقرند خود - داری میمانند. ولی مگر آنها از چه چیزی میترسند؟ بدون شك از به حرمت د رآمدن طوفان انقلابی توده‌ها و برقراری حاکمیت آنها بر سر - نوشت خویش، آنها میدانند که میتوان با رژیم عراق به سازش رسید و به جنگ بین دو رژیم خاتمه داد، ولی نمیتوان توده‌ها را به بی توهمشان ریخته است و در راه کسب حقوق خویش به مبارزه انقلابی روی آورد و اند را به انقیاد در آورد.

* * *

به این ترتیب ما در کردستان، نه تنها با یکتود توهم زده روبرو نیستیم، بلکه با مرئی مواجهیم که در حال مبارزه انقلابی بشکل مسلحانه آن با رژیم حاکم هستند و با جوی سرکوبار داریم که بسرعت در مقابل سازشکاری و مماشات با رژیم بعث - العمل نشان میدهد. * پس ادامه مبارزه و مقاومت مسلحانه انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی، در چارچوب شعار تبدیل جنگ بین دو رژیم به جنگ علیه بورژوازی خودی

(* - توجه کنیم به عکس العمل مردم نسبت به سازمان چریکها (اکثریت) طی مدت اخیر.

تنها حرکت اصولی و انقلابی در کردستان است.

از نظر سیاسی مهمترین وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی افشای ماهیت جنگ ایران و عراق و اهداف ضد خلقی این جنگ است که هر دو رژیم تعقیب میکنند. بایستی بر این مبنایم چنان بر مبنای افشای ستمی که به اشکال گوناگون بر توده ها وارد می شود آنها را بسوی راه انداختن حرکات اعتراضی توده های سوق داد اکنون در شهرها تحت کنترل رژیم روجه مبارزاتی و انقلابی به مراتب بالاتر از چند ماه گذشته است و توده ها هر روز آمادگی بیشتری برای پیش برد مبارزه از خود نشان میدهند. آنچه مهم است نقطه ضعف بشمار می رود، نقش نیروهای انقلابی است که هنوز نتوانسته اند نقش لازم را در دامن زدن و هدایت حرکات اعتراضی توده ها داشته باشند.

در سطح روستاها افشای ماهیت جنگ ایران و عراق و بطور کلی ماهیت هر دو رژیم بعنوان دو رژیم ضد خلقی اهمیت خاصی دارد. اگر در شهرها توده ها بعلت بالا بودن آگاهی سیاسی بدرک نسبی وحدت از واقعیت های جنگ دست میابند در روستاها غالباً چنین نیست و ضرورت توضیح این واقعیات اهمیت دو چندان می یابد. توده های دهقانی با توجه به ادامه ستم و سرکوب در رژیم جمهوری اسلامی و حتی گستردگی آن در این زمان تنفر خود را از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از زاویه منافع طبقاتی ستاریخی خود بیان نمیکند حتی اقشار عقب مانده تر بخصوص در مناطقی که نیروهای انقلابی حضور کمتری دارند، نسبت به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بوسیله رژیم عراق

به جبهه جنگ شتافتن خامنه ای !!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه خامنه ای که مرتب از طریق رادیو و تلویزیون، مردم را "بسوی بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکند، برای سرگشتن از هوازی که هواپیماهای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلفن احضار میکنند، یک پزشک حاضر در فرودگاه از او میخواهد تا مریضی مشرف به مرگ را با خود به تهران ببرد، خامنه ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلبان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه ای میگوید چون با بدیا بداران و اشراف همراه خودش میرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

ارتش فاشیست عراق

مردم عادی را به گروگان می گیرند

در ادامه جنگ ارتجاعی دولتهای سرکوبگر ایران و عراق، رژیم فاشیستی بعث اقدام به دستگیری بسیاری از هموطنان بیگناه ما کرده است. در اسامی مخصوص نکات زیر قابل ذکر است:

- ۱- ارتش مزدور عراق در هر شهر و حاده و روستایی که مختصر تسلطی پیدا میکند، اقدام به دستگیری مردم عادی که در جنگ شرکتی نداشته اند میکند. در ضمن مواضع با اسرای ایرانی در اردو عراق، اسامی گمانی چون "کارمند بانک سوئد" "معلم تهرانی" "محل سرب" و "ذهاب" "کارگران حفاری صنعت نفت" و غیره برمیخوریم که خانواده های بسیاری را در نگرانی به سرسوت گمان خود فرو برده اند.

- ۲- تقریباً تمام اسرای دستگیر شده (چه ارتشیان و چه افراد عادی) در مواضعی که بوسیله عمل دولت ضد خلقی عراق، ساکن آنها میشود، خواهان اسن جنگ سوئد و غیره میباشند. راهی رژیم عراق، خواست خود را برای قطع اسن جنگ عنوان میکنند.

تمایل نشان میدهند. این شکل برخوردیه رژیم جمهوری اسلامی نه مولود آگاهی طبقاتی توده ها بلکه از کینه عمیق آنها از این رژیم سرچشمه میگیرد. اما برای آنها نباید توضیح داد که آنچه منافع واقعی شان را تأمین میکند نابودی سرمایه داری وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است. امری که تنها توسط خلقهای ایران بسمه رهبری طبقه کارگر ایران امکان پذیر است.

در واقع ما ضمن پیشبرد مبارزه و بسیج و سازماندهی توده ها علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی بایستی ماهیت هر دو رژیم ارتجاعی را برای آنها افشا کنیم. در این میان افشای ماهیت ارتجاعی رژیم بعث عراق که میکوشد از مبارزه مزلت خلق کرد با رژیم جمهوری اسلامی سوء استفاده کرده و خود را حامی آن قلمداد کند، اهمیت خاصی دارد.

در زمینه نظامی، وظیفه پیشمرگان انقلابی است که تشدید حملات نظامی به پایگاهها و مناطق تحت کنترل رژیم آنها را وادار به عقب نشینی نماید. البته این مشخص است که وقتی از گسترش حملات نظامی صحبت میشود به هیچ وجه نمی توان انتظار داشت که در کوتاه مدت رژیم را از نظر نظامی بتوان به موضع شکست کشاند.

اما در قبال تجاوز نظامی عراق به کردستان سیاست نیروهای انقلابی چه باید باشد؟ روشن است که در چنین صورتی میبایست قاطعانه به مقابله با آن پرداخت.

البته عوامل متعددی وجود دارد که مانع میشوند رژیم عراق جنگ را در طول مرز ایران و عراق در

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

رژیم ۳ پیکار کرد لاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

در شرا بطنی که رژیم با آزادی گروگانهای جاسوس، نزدیکی بیش از پیش خود را با امپریالیسم نشان میدهد، در شرا بطنی که رژیم بدروغ با عنوان مبارزه با امپریالیسم، توده های منطقه جنگ زده را در نبرد نا عادلانه با دولت ارتجاعی عراق به کشتن میدهد، رژیم خفقان و سرکوب را تشدید کرده است و بدین ترتیب به ترور و تیرباران کمونیستها و انقلابیون پرداخته است.

رفیق پیکارگر شهید شکرالله دانشیار مسئول چادر امداد هواداران سازمان پیکار در آذربایجان بحرم عشق به زحمتکشان و کمک به مردم جنگ زده و هواداری سازمان در ۲۷ مهر تیرباران میشود و پس از آن خلغالی جلاهدو پیکارگر دلاور دیگر را در آغا جاری بدون بازخواستی در یک دادگاه صحرایی بدون آنکه اجازه دفاع به رفیقیمان را بدهد تیرباران میکند. این دور رفیق رفیق محمد شرامی کارگر کمونیست صنعت نفت و رفیق منوچهر نیک اندام، معلم کمونیست، که در زمان شاه نیز دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته بودند، بحرم بخش اعلامیه سازمان تیرباران میگردد و رژیم هیچ مدرکی از فقرای ما در مورد بخش اعلامیه نیز ندارد. فقط عنوان میگردد که روز قبل در شهر اعلامیه پیکار بخش شده است جان حسنی شهبازی کاندیدی مورد

حمایت سازمان در آغا جاری که یک نفتگر انقلابی است به همراه عده ای دیگر - راز هواداران سازمان در خطر است. رژیم بسپوده می اندیشد که با ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیستها میتواند مانع آگاهی توده ها شود. رژیم نمیتواند دست خون آلودش را در سرکوب زحمتکشان و کشتن انقلابیون و کمونیستها بشوید. ما چهره کبری این رژیم جنایتکار را به توده ها نشان خواهیم داد. ما راه را از رفیقان شهیدمان تا آخرین نفس با امپریالیسم و ارتجاع خواهیم رزمید. بقول رفیق شهید منوچهر نیک اندام در ملاقات با همسرش در شب تیرباران:

"دشمن به ما کینه دارد و در رحم نخواهد کرد، ما هم تبا بیده و در رحم کنیم مبارزه طبقه ای یعنی بی رحمی نسبت به دشمن طبقه ای."

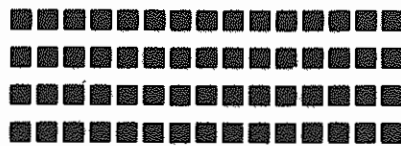
آری، رفقا ما کینه شما را که کینه میلیونها زحمتکش ایران بود در دل خود حفظ میکنیم و تا نبودی ستمگران و جنا پیکاران و بیروزی زحمتکشان بسپه ما زه آشتی نپذیر خود دادا میبدهم ما به خون پاک شما شهیدان انقلاب سوگند یاد میکنیم که به آرمانتان که آرمان طبقه کارگر بود تا آخرین نفس و فسادار بمانیم.

با دشمن گرامی و آرمانتان جاودان باد!

آیا راه "موز" به کردستان ختم میشود؟!

در پی تسلیفات شوینستی ارتجاع ونوهم توده ها (که روز بروز میشکند) در اواشل مهرماه ۴۰ نغرا زکا رکنان حفاظت فرودگاه مهرآباد را طلب اعزام به سرز عراق نمیشوند. آنها را به کرمانشا می - برند. فرماده این گروه به مرزا اعزام می - شود و باقی در اختیار رساها ساداران قرار میگیرند رساها ساداران آنها را بسپه کامیاران میفرستد و به آنها میگوید که "سایدها کردها بجنگید" و طلبان که از عملکرد رژیم سخت عصبانی بودند با سخ میدهند که "ما برای جنگ با ارتش عراق آمده ایم نه با کردها". گروهی از آنها سر - میگردند و با برین میمانند که در صورت امکان به مرزا اعزام شوند.

جنگ ارتجاعی با ارتش بعث عراق مانع از آن نمیشود که سرکوب خلق کردکا هسش پیدا نما بدور رژیم در پوشش جنگ با عراق مرتبا نیروهای مزدور را در کردستان تقویت میکند. ارتجاع دشمن اصلی خود را بهتری شناسد برای اوانقلاب توده ها بسیار خطرناکتر از ارتجاعی عراق است



مطلب است که تفنگهای مادر خدمت هیچیک از این دو رژیم ارتجاعی نباید باشد. همانطوریکه در بالا گفته شد احتمال اینکه جبهه ای درگشوده شود ضعیف بوده، و بیشتر احتمالاً مقطعی از جانب رژیم بعث محتمل است. این حملات بویژه در شهرها و مناطق پیرانشهر، سردشت و میروان امکان پذیر خواهد بود. در چنین صورتی تاکید ما با توجه به شرایط مشخص نظامی منطقه و اینکه از نظر سیاسی نظامی، به نفع هیچیک از دو رژیم تمام نشود تعیین میگردد

کردستان نیز گسترش دهد: اولاً کردستان اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی خوزستان را دارا نیست و در آن مراکز اقتصادی ای که رژیم عراق بخواهد آنها را مورد حمله قرار دهد وجود ندارد. ثانیاً گسترش جنگ در این منطقه نیروهای بعثی را پراکنده میسازد و از تمرکز آنها در جبهه خوزستان و کرمانشا میکاهد. ثانیاً وجود جنبش مقاومت و پیشمرگان انقلابی کردستان ایران مانع بزرگی است که رژیم بعث بشدت از آن می - هراسد و بالاخره وجود پیشمرگان اتحادیه میهنی در عراق نقل و انتقالات ارتش عراق را دچار اشکال میسازد. این موارد در مجموع شرایط مناسبی را برای دخالت عراق در کردستان ایران بوجود نمی آورد. از نظر نظامی آنچه که اهمیت اساسی دارد، درک این

مخالفت با وابستگی...

می‌دانید که چه می‌خواهیم بگوییم، "فقط اعتماد بکافی است"، بی‌ایده اعلام کنید اگر این جامعه به سمت سرما به داری نمی‌رود به سمت استبداد نمی‌رود "پاسخ دادند: "ما متحد می‌شویم... حالت جنگی را از بین ببریم و آتش را برقرار کنیم"، "آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است"، "حتی هر نیروی خاص رجی و هر نیرویی که بخواهد مسئله ساز باشد ما متحد متقابل هم در برابر گروه‌هایی که مسئولیت کمتری خواهند احساس بکنند برعهده می‌گیریم" (از متن مذاکرات بهشتی با فرخ نگه دارمندی همه جا تاکیدات زماست).

این بود "تعهدی" که رهبران سازمان چریکها (اکثریت) در راستای چرخش قطعی خویش بسوی سازش با بورژوازی - حاکم و تسلیم در مقابل آن و خلاصه پشت کردن کامل به انقلاب و منافع توده‌ها به حکومت جمهوری اسلامی سپردند. از آن بعد، این رهبران که به آستانبوسی بورژوازی شتافته اند - و با این حرکت خود ماهیت طبقاتی و مضمون مشی خویش را روشنتر نمودند - اند - پیگیرانه کوشیدند و همچنان سیکوشتند - توده صیه بهشتی مبنی بر "بوجود آوردن اعتماد" در میان مردم کردستان نسبت به هیئت حاکمه را مویه مویا جرابگذارند، "برقراری آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است" یعنی همان وظیفه‌ای که بعهد ارتش و پاسداران است) را تحقق بخشند و "در برابر گروه‌هایی که مسئولیت کمتری خواهند احساس بکنند" (یعنی با انقلاب توده‌ها وفادار باشند) به تعهد خود یعنی دشمنی با تشکلات انقلابی عمل کنند. کوشش و تعهد یکه چیزی جز خیانت به منافع زحمتکشان و خلقهاست ایران و خد متبه بورژوازی نیست و تنها هدف جلب اعتماد بورژوازی و گرفتن امتیازاتی چند را برای این نارهبران دنبال میکند.

با توجه با این "تعهد" بود که ماهیت سیاسی - طبقاتی آنست که مضمون و ماهیت شعار "استقرار صلح عادلانه در کردستان" سازمان چریکها (اکثریت) روشن میشود و هدف تبلیغات و سیاست روزیونیستی و ضد انقلابی این سازمان در

رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای سیاسی آن مشخص

میگردد. ماد رشماره گذشته "بیکار کردستان" گوشه‌هایی از حرر- کتابین سازمان را در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد نشان دادیم. اکنون میکوشیم گوشه دیگری از حرکت آنرا بر مبنای محور تبلیغاتی که فعلا سازمان چریکها (اکثریت) در باره اوضاع کردستان مبارزات خلق کرد و نیروهای آن در نشریات خود پیش میبرد و بطور مشخص راولین شماره "تیشک" به روشنی ارائه شده است. مشکافیم باشد تا با زهم بیشتر چهره زشت روزیونیسم و روزیونیستها و خیانت آنها بمنافع خلقها و زحمتکشان ایران بر ملا گردد. زیرا همانگونه که لنین میگوید مبارزه با امپریالیسم بدون مبارزه با اپورتونیسم حرف بزدی بیش نیست.

تخریف واقعیت "نخربه کردستان عراق"

سازمان چریکها (اکثریت) محور تبلیغاتی خود را بر این اساس قرار داده است که نیروهای سیاسی موجود در کردستان (البته بغیر از خودشان!) اساسا نیروهای وابسته به بعثیاد رحال وابستگی به آن هستند و سرنوست جنبش مقاومت خلق کرد نیز همان سرنوستی خواهد بود که خلق کرد عراق در اترخیاات دارودسته ملامصطفی با ززانی به ان دچار شد. بنابراین طبق نظر آنها با یستی از مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی دست کشید و با قبول حاکمیت رژیم و استقرار "صلح عادلانه" از وابستگی جنبش جلوگیری کرد و وحدت "نیر" و های خدامپریالیست" (بزعم ایطان از جمله هیئت حاکمه و وارگانهای سرکوبان مانند پاسداران) در مبارزه با امریکارا تحکم بخشید! (؟ برومناهای این محور سازمان چریکها (اکثریت) خود راشد یاد مخالف و وابستگی جنبش و مخالف رژیم بعث عراق قلمداد کرده و وقیافه با اصطلاح حق بجانب و مستغول در قبال سرنوست جنبش خلق کرد بخود میگرد.

اکنون ببینیم واقعیت امر چیست و چگونه فدائیان (اکثریت) برای توجه و لایوشانی تسلیم و سازش خویش و واقعیات را تخریف میکند و یکمشت ترها تر ویزیونیستی را بعنوان "سر-

مبارزه با امپریالیسم ضد الزما رزه بار و نزنونسم نیست

خورد مسئول " بخورد هواداران خود و جنبش‌ها هد و باین ترتیب میکوشد جنبش خود ها را با انحراف و کجراه بکشاند

د مقاله "کردستان یکجا می‌رود؟" مند رج در "تیشک" شما آمد است: "این روزها در کردستان از مسئله وابستگی زیاد صحبت میشود ۱۰ این مسئله در گذشته نیز برای مردم مطرح بوده است و اتفاقاً خلق کرد در این رابطه تجربه بسیار با ارزشی دارد. تجربه کردستان عراق را بخاطر بی‌اوریسم، ملامصطفی بازرانی با همه نیروی نظامی و سابقه مبارزاتیش در جنبش ملی سرانجام وقتی مردم پشت کرد و در آغوش آمریکا ورژیم ضد خلقی شاه افتاد جنبش را به شکست کشاند و بزرگترین خیانت عمر خود را مرتکب شد" و چند سطر بعد ادامه میدهد: "اکنون این ماجراها (باتفاوتهای) و سه طرز فکرم انگیز در عین حال مضحکی در کردستان ایران نیز تکرار میشود" (تاکیدات از ما است).

همچنین سازمان چریک‌ها در "خبر" مه‌باد شماره ۲۳ تاریخ ۱۳/۵/۵۹ ویژه نامه "اعترافات حامد بیگ" مینویسد: "هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعثت و سل بریاد ای امپریالیسم از جانب نیروهای انقلابی و ترقیخواه گرفته نشود، آنها ب سر جنبش خلق کرد در ایران همان بلایی را خواهند آورد که ملامصطفی بازرانی در عراق آورد، ملامصطفی نیز از همان آغاز عنصری وابسته و سرسپرد به رژیم شاه و امپریالیسم امریکان بود. او ده سال در سنگر جنبش ملی کردستان ایران عراق مبارزه کرده بود و امید آنست که رژیم شاه دشمن سرسخت خلق کرد است و از رو حسن نیت به آنها کمک نمیکند. ولی او فکر میکرد که میتواند از رژیم شاه اسلحه و پول دریافت کند و وابسته نیز نشود ولی دیدیم که محاسبات ملامصطفی درست از آب در نیامد" (تاکیدات از ما است).

با خواندن نقل قولهای فوق هر کس که القای مارکسیسم را بداند و حداقل اطلاعی از وضعیت جنبش خلق کرد عراق و ما - هیئت رهبری آن داشته باشد و علاوه هنوز با انقلاب و منافع توده‌ها بیاندیشد، بر احوالی متوجه تحریف تاریخی و فراموشی "کامل اصل مارکسیستی لزوم برخورد طبقاتی به پدیده‌ها و تجزیه و تحلیل د یالکتیکی آنها را درین نقل قول نمیکرد. مارکسیسم لنینیسم بامایاموز به پدیده‌ها بشیوه

د یالکتیکی برخورد کنیم و مسایل موجود در اجتماعات بشری - از زمانیکه جامعه طبقاتی بوجود آمد - را از دیدگاه طبقاتی بنگریم و عبارت د بگیریم هر سخن و حرکتی منافع طبقه مشخص را جستجو کنیم. د یالکتیکی مارکسیستی بامایاموزد که پدیده‌ها را نه بصورت مجرد بلکه بشکلی مشخص و د راز - تباط متقابل با یکدیگر، نه د رخلابکه د زمان و مکان معین مورد بررسی قرار دهیم. این آموزش د تضاد کامل با برخورد بورژوازی و پخرده بورژوازی بامسایل است که به پدیده‌ها برخورد غیر طبقاتی میکنند و از این امر که فلان گفته یا بهمان عمل مبین کدام منافع طبقاتی است طفره می‌رود و متافیزیک یعنی بر - خورد مجرد و د رخلابا جانشین د یالکتیک می‌سازد.

برخورد سازمان چریکها (اکثریت) به جنبش خلق کرد عراق و مقایسه آن با جنبش مقاومت خلق کرد در ایران نیز چنین است. د ر این برخورد مشاهده میکنیم که بجای برخورد تاریخی - طبقاتی به مبارزه خلق کرد در عراق و رهبری آن بجای توضیح عوامل و علل موثر در حرکت این جنبش و بخصوص علل و عواملیکه در شکست آن سهم داشتند و مشخص کردن اینکه د ر این میان کدام نقش اصلی و کدام نقش فرعی داشتند مسئله وابستگی و بالا - خره شکست آن بطور مجرد مطرح میشوند و باینکه مقایسه بهمان اندازه متافیزیکی نتیجه گیری میشود که سر نوشت جنبش مقاومت خلق کرد در ایران نیز همان خواهد بود. این چنین بر - خورد دید و ن شکبایین دلیل نیست که رهبران یا نویسندگان مقالات سازمان چریکها (اکثریت) اصول و موازین مارکسیستی را در کتابها نخوانده اند بلکه از انجاناشی میشود که اینان بمصالح انقلاب پشت کرده اند و بجای مارکسیسم، روزیونیسم و بجای منافع طبقه کارگر منافع بورژوازی را هنمای حرکت آنهاست. این امر نه تنها آنچه انچنان برخوردی را ایجاد میکند بلکه حاملین آنرا آگاهانه به تحریف روشنترین و - قعیات تاریخی نیز میکشاند. د ر این میان تنها ساده لوحان و بیخبران هستند که میتوانند فریب چنین عوامفریبها را بخورند.

واقعیات جنبش خلق کرد عراق چه بود؟

د ر اینجا قصد ما توضیح مفصل مسئله فوق و تجزیه و تحلیل عمیق و موثکافانه آن نیست، تنها برای روشن شدن بحثمان مختصر آنگاهی کلی نواقعیات جنبش خلق کرد در عراق در

حمایت زحمتکشان میاندواب از خلق کرد

★★★★★★★★★★★★

چندی پیش پس از آنکه پاسداران جمهوری اسلامی به همراهی اوباشان ملاحسنی در چند روستای کرد نشین (ایندرقاش، صوفیان و ۰۰۰) دست به قتل عام زحمتکشان زد، روستاها را غارت نمود و به آتش کشیدند مردم غیور میاندواب در طی تظاهراتی همبستگی خود را با خلق قهرمان کرد نشان داد و با اعمال جنایتکارانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اعتراض نمودند. آنان در تجمع خود در مقابل کمیته میاندواب خواهان تعویض رئیس کمیته شدند. زحمتکشان آگاه میاندواب بخوبی میدانند که رژیم با قتل عام روستاها را کرد نشین، باغارت و آتش زدن این روستاها قصد آن دارد که بین خلق کرد و ترک فاصله جدایی افکند و از این طریق از یکسویه سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد بپردازد و از سوی دیگر مبارزات زحمتکشان ترک را از مسیر خود منحرف نماید.

میانداوب بخوبی از این جنایات آگاه میباشند و در مقابل این اعمال وحشیانه و جنایتکارانه سکوت راجا بزنمیشمارند. آنان در می یابند، رژیمی که هر روز روستاها و آبادیهای کردستان را به آتش کشیده و مردم را قتل عام میکند، نمیتواند ادعای "حمایت از مستضعفین" را بنماید. رژیمی که برای بقای خود دست به هر جنایتی میزند و هر روز حمله ای جدید بسرای منحرف نمودن مبارزات توده ها بکار میبندد، هیچگاه نمیتواند حامی توده ها باشد.

بی شک در سایه آگاهی و همبستگی زحمتکشان همه تشبیهات جنایتکارانه این رژیم ضد خلقی نقش بر آب خواهد شد. خلقهای ایران بارها نشان داده و باز هم نشان خواهند داد که در مقابل دشمن مشترک خود، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، یکپارچه و همبسته به پیش خواهند رفت. همبستگی خلقهای ایران بویژه همبستگی خلقهای ترک و کرد، امری زودگذر نیست چه اینکه این همبستگی در جریان مبارزات مشترک آنها بر علیه رژیم جنایتکار شاه و امپریالیسم هم چون پولاد آبدیده شده است. زحمتکشان آگاه ترسک بخوبی میدانند که پیروزی نهایی همه خلقهای ایران وابسته به یکدیگر است و در سایه این اتحاد و همبستگی میباید که برقراری حکومت زحمتکشان یعنی جمهوری دمکراتیک خلق امکانپذیر میگردد. پیروز باد همبستگی خلقها!

زحمتکشان میاندواب با این حرکت خود نشان دادند که از ماهیت این رژیم آگاهند. آنها خود شاهد این هستند که روزی نیست که این رژیم دست به جنایتی تازه نزند. هنوز قتل عامهای "قارنا" و "لانتان" زیاد نرفته است که زحمتکشان "ایندرقاش، صوفیان" و "کشتار میشیند، هنوز خون آنان خشک نشده است که روستای "سروکانی" قصابی گردید و به آتش کشیده میشود. زحمتکشان ترک و بویژه مردم

سالمای قبل میافکنیم.

وسیع از جان بتوده های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل گرفت. جواب رژیم عبدالکریم قاسم گسیل ارتش سوسی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده مسلحانه روبرو گردید. پس از چند ماه حزب دمکرات کردستان عراق بر زمینه مو در میان توده ها و آمادگی انقلابی آنها با اعلام تشکیل یک سل زمان دفاع مسلح دست بمقاومت مسلحانه زد و با این ترتیب جنبش مقاومت در کردستان عراق شکل گرفت.

شروع حرکتیکه در کردستان عراق بصورت جنبش گسترده در اواخر سالهای ۶۰ و اوایل سالهای ۷۰ آمد و تحت رهبری خانواده بازرانی هاد رسال ۷۵ با انعقاد قرارداد میان رژیم شاه و حکومت عراق فروریخت و شکست انجامید. در تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم برخلاف وعده و وعیدها اولیه و حتی قوانینیکه با روی کار آمدن خود اود رمورد حقوق خلق کرد در عراق به تصویب رسیده بودند، بعد از زمینه چینیهای اولیه، شروع به پامال نمودن دستاوردهای خلق کرد نمود. در مقابل چنین حرکتی، یکسری تظاهرات و حرکات

حزب دمکرات کردستان عراق در زمان تشکیل خود در مجموع منافع بورژوازی کرد را نمایندگی میکرد. اما از همان ابتدا اعتقاد فتودال و روسای عشا یراز جمله ملامصطفی در رهبری آن شریک

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

شده اند و بالاخره بعد از مدتها کشمکش در سال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر آن تثبیت نمودند که علت این امر با بیستی اساسا در ضعف اجتماعی ستاریخی بورژوازی کرد جستجو کرد. جنبش عشایری به رهبری ملامصطفی با تثبیت رهبری خود بر حزب و جنبش از همان ابتدا جنبش را بسمت مواضع راستتر از گذشته کشاند و آنرا وارد د رمناسبات مشکوک بین المللی ساخت. امریکه ناشی از ماهیت و بیانگر منافع طبقاتی آن بود.

علیرغم دارا بودن چنین رهبری ای، جنبش بدلیل خواست عمیق توده ها به تغییر وضعیت خویش و کسب آنچه با آنهاست و عده داده شده بود ادامه پیدا نمود و هرچه بیشتر گسترش یافت. به ترتیبی که در اواخر سالهای ۶۰ کنترل بخش اعظم کردستان عراق در دست نیروهای پیشمرگ قرار داشت و در ۱۹۷۰-۱۹۷۴ اعلامیوزان حکومت بازرانی و اطرافیان او بر این منطقه بود. البته لازم به تذکر است که مضمون گسترش جنبش هرچقدر در جلومیا بیم بسوی گسترش نیروهای نظامی و قدرتها آنها، و ایجاد وسط دستگا ههای بورکراتیک توسط رهبری آن میل پیدا و از شرکت توده ها در زندگی و سر نوشت جنبش تهی میگشت. بهورتیکه در دوران ۷۴-۷۰ بازرانی و اطرافیان در ستگا ه دولتی ویژه ای را برای خود در منطقه بوجو آورده بودند تا حدیکه یکسازمان جاسوسی (امنیتی) بنام "پاراستن" ایجاد گردید. این سازمان و تمام دستگا ه دولتی در واقع چیزی جز وسیله ای برای سرکوب خواستها و حرکات انقلابی توده ها و استثمار رفتار آنها توسط فئودالها و روسا عشایری نبودند. سازمان جاسوسی مذکور که با رهبری عشیره ای جنبش رابطه مستقیم داشت و همچنین با محافل ارتجاعی خارجی ارتباط برقرار نمود. بود، نقش مهمی در سرکوب افکار و جریانات مترقی بویژه کمونیستی و مقابله با نفوذ آنها بازی نمیکرد. بطور کلی میتوان گفت که در این دوران (۷۰-۷۴) بیش از اینکه در کردستان عراق با یک جنبش توده ای مسلحانه یا ضد فم شخص برآوردن مطالبات توده ای مواجه باشیم شاهد یک شبکه و دستگا ه بورکراتیک نظامی قدرتمند هستیم که در بخش اعظم کردستان عراق گسترده شده و بر کسب امتیازاتی برای رهبری آن در مقابل رژیم عراق ایستاد. بود. در راستای این دستگا ه جریان عشیرتی فئودالی ملامصطفی قرار داشت که حاکمیت ملامنا زع خود را بر خلق کرد عراق اعمال

مینمود. حاکمیتیکه هرچند بر دستگا ه بورکراتیک نظامی تکیه میکرد، لیکن در حفظ موقعیت خویش شدید الزنا گاهی عمیق توده ها بمنافع طبقاتی خود و توهم آنها نسبت بر رهبری جنبش، سود میبرد.

جریان حاکم بر جنبش در طول حاکمیت خویش کوچکترین کوششی در جهت اصلاحات اجتماعی از جمله مسئله ارضی که در برنامه اش راورد شده بود ننمود، روابط فئودالی در راه حفظکرد و فتودالهای وفادار آن در رنانهش نتوانستند مواضع خود را که در اثر کودتای ژوئیه ۵۸ تضعیف شده بود مستحکم سازند. حتی اصلاحات ارضی دولتی نیز در روستاهای منطقه با جراد رنیامد. در مقابل ویرانی و فلاکتی که در اثر جنگ گریبیا نگیر توده ها شده بود، نیروهای پیشمرگ هیچ حرکتی یاری دهند. ای نسبت به توده ها از خود نشان ندادند و بصورت نیروی غیرتولیدی باقی ماندند، بهترتیبیکه در اواخر بعنوان با ریبرد و شزحمتکشاند رآمده بودند. در مطالبات رهبری جنبش در دوره های مختلف مذکور با دولت مرکزی جفا برای تحقق خواستهای زحمتکشان وجود داشت و این فطالبا غفطبه در خواستهای توده حقوقی محدود شده بود. خلاصه در دوران حاکمیت رهبری فئودالی عشیرتی بر جنبش، این رهبری ثابت نمود که در ربره خورد به توده ها و منافع آنها با حکومت مرکزی فرقی نداشته و حاکمیتش نتیجه دیگری جز ادامه استثمار روستم وارد بر توده ها ندارد.

حاکمیت یک چنین رهبری در جنبش و آنها حاکمیتی بلا منازع نمیتوانست چشم انداز دیگری جز شکست در مقابل ان ترسیم کند، شکستیکه در هر صورت، چه با به سازش رسیدن رهبری با رژیم و چه با غلطیدن کامل ان بدامن امپریالیستها و رژیمهای ارتجاعی دیگر (یعنی آنچه رخ داد) اتفاق افتاد.

بالاخره زمانیکه این رهبری بدلیل ماهیت فوق هرچه بیشتر به نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی متوسل و بطور طبیعی به تکیه هرچه بیشتر بر آنها کشانده شد، سر نوشت محتوم جنبش یعنی شکست در یک قدمی آن قرار گرفت. سر نوشتی که انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ میان ایران و عراق آنرا بشکلی آشکار بظهور رساند. ملامصطفی و نارودسته عشیرتی فئودالی اش فرار کردند و بزرگترین خیانت زدگی خود را مرتکب شدند.

جنبش خلق کرد در عراق و برخورد رونیونیستها با آن

در شکست جنبش خلق کرد در عراق همانگونه که در فوق گفتیم، علت اساسی ماهیت طبقاتی رهبری حاکم بر آن بود. اما بیان این واقعیت به همین جا خاتمه یابد ناقص و چه بسا گمراه کننده است. مسئله اینست، چه شد که رهبری جنبش و نه تنها رهبری جنبش بلکه رهبری بالعموم آن بدست ملامصطفی و دارودسته او افتاد، به ترتیبی که بعد از شکست نتوانست مدت ها سر بلند کند. چه شد که توده های خلق کرد در عراق علی رغم تمام سرکوب و ستمیکه از جانب دارودسته ملامصطفی با آنها وارد میشد و کوچکترین خواسته هایشان در دوران حاکمیت این دارودسته برآورده نشد، و علی رغم تمام خیانت های ملامصطفی قبل از خیانت بزرگش، نسبت با او فانا ماندند و او را رهبر خود و برآورنده خواسته هایشان میدانستند.

نگاهی کوتاه به عملکرد رونیونیست ها در عراق جواب سؤالات فوق را در مقابل ما قرار میدهد. در واقع زمانیکه بعد از منتهی حکومت عبد الکریم قاسم ماهیت طبقاتی خود را نشان داد و ما شین ستم و سرکوبی را که بارش برد و بود علیه توده مردم عراق و از جمله علیه خلق کرد برآورد، انداخت، حزب "کمونیست" (رونیونیست) عراق بجای ایستاد و در کنار توده ها و خلق کرد، تحت عنوان جلوگیری از تضعیف رژیم "مترقی" عبد الکریم قاسم از پشتیبانی و شرکت در مبارزات خلق کرد امتناع ورزید. جناح منشعب از "حزب کمونیست عراق" که تحت عنوان "حزب کمونیست عراق - رهبری مرکزی" از آن جدا شد در نوشته "انقلاب کرد، در سهوا، نتیجه ها و در نماهای جد" در این مورد اینگونه مینویسد:

" هنگامیکه عبد الکریم قاسم شروع کرد به تسلیم شدن در مقابل فشارهای مخالف و ضد انقلابی و انقلاب ژوئیه را به سمت انحراف راند و دستاورد های خلق کرد را بتدریج پیاپیال کرد و بعضی از حقوق ملی ساده ای را که خلق کرد بعد از ژوئیه بدست آورده بود حتی تحت فشار قرارداد بخطر مشی

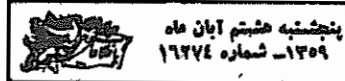
رونیونیستی در حزب کمونیست رواج داشت و حزب سیاست در نباله روی از قاسم و عقب نشینی مداوم در مقابل نیروهای ضد انقلاب را پیروی میکرد و این روند در تمام خط مشی های حزب و سیاستها بیشتر تاثیر گذار است. حزب به همراه توده های کرد برای دفاع از حقوق آنها دست به اسلحه نبرد و شعارها صحیح که قادر باشد جنبشهای توده ای برآوردند و انداخته و هدایت کند طرح نکرد. بلکه با این بهانه که ملیت (بو-ژواری کرد توضیح از ما) زمام جنبش را در دست دارد، از این وظایف محانه خالی کرد. حزب آن اهمیتی که مسئله ملی کردی لازم دانستد، مورد اول نداشت و از اهمیت درخواستهای کرد ها راجع به حقوق ملی، که اندک اندک حزب دمکرات کردستان آنها را مطرح میکرد، کاست.

وقتی که جنبش فاعی در کردستان آغاز شد، رهبری رونیونیست به "بسپج" ملی که در زمان عبد الکریم قاسم مطرح میکرد تمسک جست و تاکید میکرد که تضعیف رژیم کاغذی است. و وقتی که توده های کرد برای دفاع از خود در مقابل هجوم نظامی دست به اسلحه بردند، رهبری رونیونیست بخبر شعاع رفیق و فرصت طلبانه "صلح در کردستان" انگذا کرد که نه مورد قبول خلق کرد بود. و نه از طرف رژیم قاسم که صد هاتن از امضا کنندگان عریضه های اعتراضی و درخواستهای صلح را دستگیر کرده بود، مورد قبول قرار گرفت. و در رستد زمین زمان حزب بخش بزرگی از پایه های توده ای خود را در کردستان و مخصوصا در روستاها به نفع بورژوازی ملی کرد از دست داد و این بورژوازی دانست که چگونه از موضع حزب کمونیست تسود بدهد و از استعداد توده ها بهره برداری کند. این موضع رونیونیستی خطرناک ابتدای شکست کمونیسم در کردستان و علت اساسی تسلط بورژوازی و روسای عشایر رهبری جنبش توده ای بود. "تاکیدات از ماست".

با این ترتیب ملاحظه میکنیم که چگونه رونیونیستها با سازش با رژیم و پشت کردن به جنبش توده ها، از همان ابتدا رهبری را در دست می داشتند و با اختیار دارودسته ملامصطفی قرارداد انداختند.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آگهی زیر در اطلاعات پنجشنبه هشتم
۴۶ ن ۵۹ به چاپ رسیده است .



استفاده سربازان قرائدی

ستاد مشترک ارتش جمهوری آباد سابق با همراه داشتن
اسلامی ایران دیروز اعلام شناسنامه مکرر مکرر مکرر
کرد لشکر بیست و هشتاد و نهم و نیت نام کند .
پنجشنبه برای تشکیل کلاس سربازی با وظایف باید دارای این
به ۱۹۹۱ نفر سرباز احتیاج در رابطه باشند :۱- دارای بودن
دارد . گمانی که به استخدام برگ مانده خدمت .۲- داشتن
قراردادی برای مدت یکسال در سلامت جسمی به تأیید
اینشگر قابل دارند، بتوانند ارتش جمهوری اسلامی ایران -
سه روزه از ساعت هفتالی ۳- حداکثر سن بیست و هفت
چهارده باستانی روزهای سال .
تعیین مرکز سفر یک کرد ستاد مشترک ارتش جمهوری
واقع در خیابان مروزی - طرح اسلامی ایران .

**رژیم جمهوری اسلامی برای
ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد،
سربازان حرفه‌ای اجیر میکند**

نمازی به توضیح اضافی نیست رژیم
در کرمان جنگ ارتجاعی و تحمیلی بین
ایران و عراق در ادامه سرکوب وحشیانه
خلق کرد و نتوانی مزدوران سرکوبگرش
و نیز حاضر شدن سربازان برای اعزام به
کردستان و کشتار خلق کرد مجبور به
استخدام سرباز مزدور گذشته است . رژیم‌های
ارتجاعی از تجربیات امپریالیست‌ها

برای ادامه حکومت و سرکوب زحمتکشان
بهره برده و خواهند برد . رژیم جمهوری -
اسلامی از اعزام مزدوران "لژیون خارجی"
امپریالیسم فرانسوا به الجزایر و استفاده
مزدوران سفید پوست از طرف امپریالیست‌های
بلژیک برای کشتار خلق کنگو و ... بخوبی
درس گرفته است و نژاد در مورد خلق قهرمان کرد
که از یک طرف مبارزه قهرمانانهاش رژیم
را به زانو در آورده و از طرف دیگر حقانیت
مبارزه‌اش برای سربازان و ارتشیان نا-
آگاه و نیز روشن میشود بطوریکه بخش بزرگی
از آنان دیگر حاضر به جنگ با خلق کرد
نیستند ، بکار می‌گیرند ، ولی مزدوران و
سربازان حرفه‌ای رژیم نیز در مقابل
کوه‌دلی خلق دلاور گرد نخواهند توانست
کاری از پیش ببرند .

رویزونیست‌ها در ایران

و جنبش مقاومت خلق کرد

این سیاستیست که امروز سازمان چریکها (اکثریت) بتبع
برائون عراقی و آموزگارش حزب توده نسبت به جنبش مقاومت
خلق کرد ایران پیش گرفته است . سیاستی که شباهت‌های
"عجیب" آن حتی در جزئیات نمیتواند موجب تمسخر و هم -
چنین تنفر همه کسانی که به منافع توده‌ها وفادارند ، نگردد .
ابتدا به بهانه "مترقی بودن و" ضد امپریالیست بودن
رژیم جمهوری اسلامی شعرا را استقرار " صلح عادلانه " و قطع
" جنگ برادر کشی " مطرح میگردد سپس تحت عنوان اینکه
رهبری جنبش است حزب کمکرات است و جنبش بشکست
میانجامد خواستار قطع آن شده و از آن کنار میکشد و در عین
حال به تخطئه این جنبش میرد اید و با اخره باید منتظر
قرار گرفتن مسلحانه آنها در مقابل خلق کرد باشیم .
در واقع سازمان چریکها (اکثریت) آگاهانه بر تفاوت ماهیت
طبقاتی رهبری جنبش در عراق که جریانی عشیرتی فتوادالی
بود با ماهیت طبقاتی نیروهای مختلف فعال در جنبش مقا-
ومت خلق کرد در ایران سرپوش گذاشته و عمدتاً فراموش میکند
که این تفاوت معنی وجود و حرکت متفاوت رهبران را بین
دو جنبش می‌آورد . به صرف اینکه جنبش خلق کرد عراق به
عنوان یک جنبش ملی در چارچوبست گردید نمیتواند ما را با این
نتیجه برساند که پس سر نوشت خلق کرد ایران نیز همان خواهد
بود

اما این همه مسئله نبود و خیانت رویزونیست‌ها به جنبش
خلق کرد به همینجا خاتمه پیدا نکرد . آنها بیش از پیش در
سازش خود با حکومت جهت بردن سهمی از استعمار و غارت
زحمتکشان عراق ، پیش رفتند و هر چه بیشتر در مقابل جنبش تو-
ده‌ها قرار گرفتند ، به ترتیبی که در آخرین جنگ در سالهای
۱۹۷۴ هزاران نفر را بنام کمونیسم مسلح کرده و به جنگ‌ها
خلق کرد فرستادند . آنها این سیاست ضد انقلابی خود را
حتی بعد از شکست جنبش و شکل گیری یک جنبش مسلحانه
نویسندگان کردستان دنبال کردند و برای تشکیل " لشکر
گارد مرزی عراق " مشغول تبلیغ شدند .
با یک چنین سیاست و عملکرد ضد انقلابی نسبت به خلق
کرد عراق ، قبضه همه جانبه رهبری جنبش و تسلط بر اماناز عبر
آن توسط دارودسته ملامصطفی امری غیر منتظره نبود . به
این ترتیب در مقابل ملامصطفی نه تنها نیروی دیگری بعنوان
یک اکثریت یا انقلابی قرار نگرفت بلکه حتی نیروی که بتواند از
فروریختن کامل جنبش بعد از خیانت دارودسته ملامصطفی
تا حدودی جلوگیری کند و سرعاً به سازماندهی و احیای او -
باز جنبش ببرد از وجود نداشته . بار این خیانت پیش
از همه برنوش رویزونیست‌های عراق سنگینی میکند . کسانی
که منافع طبقاتی ضد انقلابی شان و همچنین منافع برادر
بزرگشان یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی ایجاب مینمود ،
در کنار رژیم‌های مختلف عراق از جمله همین رژیم بعث قرار
بگیرند و به خدمت سرکوب توده‌ها درآیند .

بود. از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم قبل از هر چیزی باید این مسئله را روشن کرد که رهبری جنبش در عراق مدافع و نماینده کدام طبقه بود و سیاست کدام طبقه بر آن حکم میراند. و امروزه در ایران این مسأله چگونه است؟ طفره رفتن از این امر و مقایسه ای فارغ از یک بررسی مشخص یا نگر چیزی جز عوام فریبی و فرصت طلبی نیست و در تضاد کامل با مارکسیسم قرار دارد. سازمان چریکها (اکثریت) از انجائیکه به مارکسیسم پشت کرده و در رویزیونیسم غوطه میخورد، در برخورد بسسه بدیده ها و در ایجاد برخورد به جنبش خلق کرد در ایران و عراق و مقایسه میان آنها کوچکترین صحبتی از ماهیت طبقاتی نیروهای رهبری کنند، در این دو جنبش نمیکند و نیروی نظامی وسیع و سابقه " مبارزاتی " ملامصطفی را به رخ میکشد! سازمان چریکها (اکثریت) علت شکست جنبش خلق کرد عراق را نه ماهیت فتوای عشیرتی رهبری آن بلکه وابستگی آن معجز میکند. از دیدگاه مارکسیسم مسئله وابستگی چون همه مسائل دیگر که مقوله طبقاتی است و ناگهان بوجود نمی آید. گرایش بنوابستگی از سوی طبقاتی بروز میکند که بر توده ها متکی نیستند و نه منافع اکثریت بلکه منافع اقلیتی کوچک را نمایندگی میکنند.

سازمان چریکها (اکثریت) میگوید ملامصطفی بمردم پشت کرد و در آغوش آمریکا ورژم شاه افتاد، ولی نمیگوید چرا و به چه علت. سازمان چریکها نمیگوید که علت اساسی شکست جنبش ماهیت فتوای عشیرتی رهبری آن (حتی اگر رهبری وابسته نمیشد) بود و همین ماهیت بود که آن را بنوابستگی نیز کشاند.

سازمان چریکها (اکثریت) ابتدا واقعیت جنبش خلق کرد در عراق را تحریف میکند و از توضیح مشخص راجع به خصوصیات آن طفره میبرد سپس آن تصویر تحریف شده را تصویر جنبش مقاومت خلق کرد در ایران قلمداد میکند و در آخر نتیجه میگیرد که تجربه کردستان عراق در ایران تکرار میشود. در حالیکه از همه تفاهت های بزرگ و کوچک که جنبش خلق کرد ایرا^۱ و عراق را از هم متمایز میسازد نیز بگذریم، تنها این واقعیت که امروزه ر^۲ جنبش

مقاومت نیروهای مختلف شرکت دارند، بورژوازی حاکمی از قدرت گیری بیش از پیش نیروهای جنبش کمونیستی است. نشان میدهد که "استدلالات" سازمان چریکها تنها توجیه سازش آنها با بورژوازی و پشت کردن به منافع زحمتکش و خلق های ایران است. مسئله اینجا است که مارکسیستها هیچگاه باین عنوان که در فلان جنبش نیروهای سازشکار و حتی ضد انقلابی میکوشند بر حرکت توده ها سوار شوند یا سوار شده اند، از شرکت در آن کناره نمیگیرند، زیرا این سیاست تنها راه را برای تسلط نیروهای ضد و غیر پرولتری بر جنبش هموار میسازد. این وظیفه کمونیستهاست که در هر جنبشی در هر سطح که قرار دارد شرکت کنند و با بردن آگاهی طبقاتی میان توده ها آنرا بر محور سیاست و برنامه خود حرکت دهند.

دم خروس یا قسم حضرت عباس؟! ^۱

امام را اینجا مسئله ای که جالبویان روشن اپورتونیسم سازمان چریکها (اکثریت) است، اینست اینان از یکسو بدلیل اینکه بقول خودشان رهبری جنبش مقاومت خلق کرد در دست حزب دمکرات است یا اینکه حزب نیروی عمدتاً است، سرنوشت جنبش مقاومت را همان سرنوشت جنبش در عراق میدانند و وابستگی و شکست را دورنمای آن می شمارند، و از سوی دیگر خود نزد یکسری روایتها با حزب دمکرات داشته با آن تکیه و پیام مشترک میدهند. باید پرسید بقول معروف دم خروس را با ورت کنیم یا قسم حضرت عباس را!

سازمان چریکها ماهیت طبقاتی حزب دمکرات را بورژوازی تحت ستم کرد میدانند و از روایت بعضی عناصر آن با رژیم بعث عراق نیز مطلع است و بعلاوه نفوذ آنرا در میان توده ها عمدتاً قلمداد میکند، ولی بجای مبارزه علیه مشی سازشکارانه آن (امری که در ماهیت مشی سازمان چریکها (اکثریت) نیست)، علیه نیروهای جنبش کمونیستی چون پیکار، کومه له و... در مقابل آنها به پشتیبانی و همکاری مشترک با حزب دمکرات دست میزند. حتی اگر بر مبنای نظرات خرافاتی سازمان چریکها (اکثریت) کومه له یک جریان "خرد" بورژوازی باشد، از دیدگاه مارکسیسم یک نیروی مارکسیستی و مدافع طبقه کارگر در برابر حزب دمکرات

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

وگومه له با یستی جانب کومه له را بگیرد، زیرا "خرد" بورژوازی هقانی "متحد نزد یکدیگر" ریاست تا "بورژوازی تحت ستم" پس چگونه است که سازمان چریکها (اکثریت) در این بین جانب "بورژوازی" را میگیرد و به "خرد" بورژوازی "میتان" آیا این بیانگر نزدیکی منافع طبقاتی سازمان مزبور با حزب دموکرات و لیلی بریوچی و مغرضانه بودن تبلیغات آن علیه نیروهای چریکها و کومه له نیست؟ بدون شک چرا این واقع سازمان چریکها (اکثریت) هر قدر بیشتر مرداب ریز یونیسم غوطه میخورد، ضدیت بیشتری با نیروهای کمونیستی و انقلابی پیدا میکند. زیرا ریز یونیسم یک تفکر بورژوازی و سوسیالیست بورژوازیست. لجن پراکنشها نیکه در همین شماره "تیشک" علیه نیروهای جنبش کمونیستی چون پیکار، کومه له، زرمندگان... شده است، آنها را "غارتگر" و "هرج و مرج طلب خواندن" و از آنها در ردیف "حزب زنجیران" این درآورد ستم ارتجاعی یاد کردن و گروهک خطا پاشان کردن، بیانگر چه چیز دیگری جز ورشکستگی سیاسی ساید تلوویک سازمان چریکها (اکثریت) و پرورش تفکر آنها در مکتب حزب توده، خائن، دودریک کلام غلطیدن آنها در مرداب ریز یونیسم و روی آوردن به بورژوازی است؟

با این ترتیب مفهوم واقعی شعار "استقرار صلح عادلانه در کردستان" و "صلح طلبی" سازمان چریکها (اکثریت) برایش روشنتر میشود. روشن میشود که چرا سازمان مذکور به تطهیر هیئت حاکمه ضد خلقی میرد از دهر جنایات آن سرشوش میکند و دست خراش توده هانیز میخورد "بین سوسیالیستهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و جنایات امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران آن ۱۰۰ خط و رمز مشخص بکشند؟! (یعنی ماهیت کشتار خلق کرد و سایر حمتکشان و انقلابیون از طرف رژیم جمهوری اسلامی با کشتار یک بدست رژیم شاه مزدور انجام میگرفت فرق دارد و رژیم جمهوری اسلامی از موضع "ضد امپریالیستی" سرکوب و کشتار میکند؟! (۱) روشن میشود که چرا این سازمان با کینه و بغض به ناسازگویی به نیروهای انقلابی و کمونیست میرد و در همان حال حزب خائن توده را "ضد امپریالیست" قلمداد میکند. زیرا رهبران خیانتکار سازمان چریکها (اکثریت) به بهشتی و در واقع به هیئت حاکمه ضد خلق تعهد سپرده اند و خلق کرد و سایر خلقهای ایران را بفریبند و منافع آنها را قربانی

منافع بورژوازی نمایند. تعهد سپرده اند بر شعله هردم. فزونی مبارزات انقلابی توده هاعلیه رژیم حاکم آب پاشند و بکوشد آنها را خاموش کنند و یاب به کجراه بکشند. تعهد سپرده اند در برابر نیروهای انقلابی و کمونیست با یستند و در خرد بورژوازی ضد انقلاب آنها را تخطئه کنند و اگر لازم شد در کنار ارگانهای رژیم در سرکوب آنها شرکت ورزند. زیرا روی یونیسم نیست اعمال و منافع بورژوازی اند و از خود بورژوازی بیشتر به بورژوازی خد متهم میکنند. اما توده های خلق کرد نشان میدهند که فریب این دوستان در روغن را نمیخورند. امروز سازمان چریکها (اکثریت) بسز از طرف توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی کرد طرفداری میکنند و روستاها زحمتکشان خشمگین از تسلیم طلبی آنها، از دادن نان ایشان خود داری میکنند و در بسیاری موارد آنها را از دهر بیرون میکنند و در شهر بویگان عدّه زیاد از مردم علیه شان دست به تظاهرات میزنند و خواستار رخلع سلاح آنها میشوند. به این ترتیب و با توجه به توضیحات و حقایق فوق باید گفت که خلقها، انقلابیون و کمونیستهای ایران هیچگونه اعتقاد به مخالفت خوانی ها و سازمان چریکها (اکثریت) و معلم آن حزب خائن توده با رژیم بعث عراق نمیتوانند داشته باشند. دشمنان رژیم مرتجع عراق تنها کمونیستها و انقلابیون راستین هستند نه ریز یونیستهای مزدور، نه طبق منافع روز خود و نه با اصطلاح "ارد و گاه سوسیالیسم" شان به بزرگ کردن و آزارش رژیم های ضد خلقی میرد از دهر و خاکد رجشم توده هانیز. کمونیستها هرگز از "اژدها" به "افعی" پناه نمیبرند آنها برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد خلقی عراق و در مقابل توطئه های آنها به درگاه رژیم جمهوری اسلامی سجده نمیکنند. آنها تنها بر توده ها و در رجه اول بسز طبقه کارگر و سایر زحمتکشان تکیه میکنند و آنها را برای کسب قدرت سیاسی علیه همه امپریالیستها و مرتجعین، آگاه بسپج و مسلح میکنند. آنها همچنین برای آزادی و نجات آگاهی و توهم توده هانیز به نیروهای سازشکار و ضد انقلابی که میخواهند جنبش توده ها را وجه المصلحه منافع طبقاتی خود قرار دهند، فعلا نه در مبارزات آنها شرکت کرده و بسا شرکت خود در جهت انفراد نیروهای فوق و کشانند توده ها بد نبال برنامه و سیاست انقلابی خویش میخورند و جنبش را بدست نیروهای سازشکار و ضد انقلابی نم سپردند. اینست برخورد انقلابی! اینست سیاست کمونیستی! ■

سرمقاله . . .

به عقب مانند گرفتار اقتصاد دنی و کردستان و فقر و فلاکتی که توده ها با آن دستگیر می‌نند، برمیگردد، از طرف دیگر بعلمت کمکاری کمونیست‌ها در ارتقا آگاهی سیاسی توده ها نمود پیدا میکند. کمونیست‌ها می‌بایست به توده ها همه چیز را بگویند. آگاهی طبقاتی را به میان آنها ببرند و مبارزات آن را بر این اساس سازمان دهند. منضمون این آگاهی طبقاتی عبارتست از تبلیغ و ترویج برنامه حداقل طبقه کارگر برای توده ها. این است وظیفه سوم پیشکار کردستان.

۴- با اوچگیری جنبش مقاومت خلق کرد و گسترش ابعاد آن نیروهای سیاسی این جنبش نیز جوهر واقعی خود را نشان داده و خواهند داد. طوفان مبارزه خس و خاشاک را به کناری زده میدان مبارزه را روشن میکند. این قانون اساسی صحت خود در جنبش مقاومت خلق کرد نیز نشان میدهد. سازمان چریکها (اکثریت) که از ابتدا از موضع متزلزل و تردد آمیز در مقاومت شرکت داشت، با اینکه جریان خائن و مرتد تبدیل شده است که هدفی جز توطئه بر علیه جنبش مقاومت و تبلیغ آشتی طبقاتی ندارد. اگرچه در مقابله با این جریان منحط توده ها با شور و انرژی فراوانی از جنبش دفاع کرده و آنها را رسوا میکنند، اما اگر نسبت بوجود این جریان و سعی که در جنبش می‌راند، بی توجه باشیم، مورد جهت ارتقا و شناخت سیاسی توده ها را جاع با این جریان نکوشیم، مرتکب اشتباه بزرگی شده ایم. مبارزه بر علیه این جریان و افشا کامل آن یکی از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی و کمونیست است. سعی با یست پیگیرانه دنبال شود. از سوی دیگر جریان جنبش مقاومت، عناصر وابسته و دستجات ضد انقلابی (چون سپاه زرگاری، شیخ‌ها و . . .) که مزدوران رژیم بعث، عوامل ساواکی و سلطنت طلبان بوده و با سواستفاده از ناآگاهی توده های عقب مانده خلق کرد، در مناطقی که نیروهای انقلابی حضور کمتری دارند، دست به فعالیت می‌زنند.

این دستجات ضد انقلاب از هیچ پایگاهی در میان توده های انقلابی و آگاه برخوردار نبوده و صرفاً با وجود آوردن

محیط ارباب و ترس با مزدور گرفتن عناصر آگاه توانسته اند به بقای انگلی و ارتجاعی خود ادامه دهند. این نیروها از بیم افشاکاری و خلع سلاح بوسیله سازمانهای انقلابی قادر به گسترش فعالیت خود در کردستان نمی‌باشند. سازمان چریکها (اکثریت) از مدتی پیش با اتخاذ سیاست روزیونیستی و خیانت به جنبش عادلانه خلق کرد، سعی کرده و میکنند تا خطر این عناصر را برجسته کرده و عادلانه بودن مبارزه خلق را به زیر سؤال برد، تا به این وسیله دست آویز برای توجیه سازش خیانت تاریخی خود به خلق و خدمت به بورژوازی بیابد. سازمان چریکها (اکثریت) هرگز قدمی عملی در جهت مقابله با این نیروها برنداشت و سعی کرد با برآه انداختن جنگ تبلیغاتی، آن‌ها را توده ها را به انحراف بکشد.

بی شک مبارزه با این جریانات ارتجاعی، جزئی از مبارزه انقلابی خلق کرد بوده، افشا و خلع سلاح آنها جز وظایف کمونیست‌ها و توده های انقلابی است.

بنابراین افشا نیروهای روزیونیستی بویژه سازمان چریکها (اکثریت) که سعی در تحریف مبارزه عادلانه خلق دارد، و افشاد دستجات ضد انقلاب که سعی در به انحراف کشاندن جنبش مقاومت داشته و با کیزگی انقلابی آنرا خدشه دار می‌سازند، و تربیت و پرورش دادن سیاسی توده ها بر علیه این جریانات، وظیفه چهارم پیشکار کردستان است.

۵- اما جنبش مقاومت تنها از جانب روزیونیست‌ها تهدید پیدا نمیشود، بخاطر انحراف ناسیونالیستی نیز جنبش را تهدید میکند. ناسیونالیسم که جنبه ملی مبارزه را برجسته کرده و جنبه طبقاتی مبارزه را نادیده میگیرد، فقط خلق کرد را می‌بیند و به مبارزه سراسری آن توجهی ندارد، گرایش بورژوازی خطرناکیست که اگر با آن مبارزه ای اصولی و پیگیر نگردد، جنبش را در معرض خطرات جدی قرار خواهد داد. مبارزه سیاسی باید ثلوثیک بر علیه این گرایش و کوشش، در جهت پرورش سیاست توده ها بر مبنای اشتراک منافع زحمتکشان سراسری ایران و وظیفه مهم دیگر است که بعهده نیروهای کمونیست و انقلابی است.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

فعال در کردستان می‌باشد. و پیکار کردستان آنرا وظیفه پنجم خود می‌شمارد.

رفقا، هواداران!

ما با چنین درکی از جنبش مقاومت و وظایف سیاسی، در انتشار پیکار کردستان می‌کوشیم. برای اینکه بتوان از عهد و اجرا وظایف سنگین فوق برآمد، می‌بایست ارتباط فعالی میان نشریه و توده‌ها برقرار باشد. یکنشریه کمونیستی که برای خود وظیفه تبلیغ و ترویج سازماندهی را قائل است نمی‌تواند بدون ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با توده‌ها، کوچکترین کامی در جهت آنچه بعهد گرفته است، بردارد. حرکت در جهت توده‌ها کردن نشریه ممکن نیست مگر اینکه کلیه رفقا نشریه را از آن خود بدانند و مضامین آنرا بمان توده‌ها ببرند. بنابراین مضامین پیکار کردستان، همچون ارگان مرکزی سازمان می‌بایست در هر "جوله" بوسیله پیشمرگان سازمان در هرگونه تبلیغ و ترویج در شهر و روستا، در هر تظاهرات و جمعیت بمان توده‌ها برده شود. توزیع وسیع و بموقع نشریه و کار آگاه‌گرانه حول مضامین آن وظیفه بسیار مهم و انقلابی همه رفقا است. در جریان این کار رسیدن آگاهی بمان توده‌ها - می‌توان نیاز مشخص توده‌ها را در کار کرد و مسایل آنها را تشخیص داد و از نشریه خواست که بآنها پاسخ گوید.

رفقا، برای ما از هراتفاق و حرکتیکه در اراقتان میگذرد، بویژه از روحیه و شرایط زندگی توده‌ها، آگاهی سیاسی و از وضعیت نیروهای انقلاب بود انقلاب، شیوه‌ها و اشکال مبارزاتی، از عملکردهای شما، منورها و تاکتیکهای پیش و ... بنویسید. بنظر ما هر رفیقیکه واقعاً بخواهد، قادر است حداقل هر دو هفته یکبار برای ما نامه بنویسد. نامه‌ها حامل گزارش و خبر مشکلات و مسایل سیاسی اجتماعی توده‌ها و ... بجزا نمیتوان گفت که بر "مشغله‌ترین" رفقا نیز قادرند، فرصتی بیابند و برای ما نامه بنویسند، به شرط - اینکه برای چنین مکاتباتی ارزش قایل شوند. برای نوشتن این نامه‌ها احتمالاً لازم نیست نویسند، هر فردیکه اندک سواد بجزا برای خواندن و نوشتن در اردقادر یا پیکار می‌باشد، تنه‌ساز چنین صورتیست که پیکار کردستان به یک نشریه توده‌ای و زنده بدل خواهد شد. بقول لنین: "یک نشریه وقتی زنده است که باز اینچ نویسند، اصلی و هدف است که بطور دائم برای نشریه کار میکند، پانصد یا پنج هزار نفر دیگر هم وجود داشته باشند، که ضمن اینکه در کارهای نشریه نقش دارند، ولی نویسند نیستند".

در اینده راجع باین موضوع بیشتر صحبت خواهیم کرد. ■



عطا برآزنده . . .

پیکار کردستان
 رفیق بهنگام برداشت محصولات کشتا -
 ورزی در مرداد شهریور سال ۵۸ در منطقه افشار که مبارزات جاری میان توده های فقیر کشاورز و اربان در آن منطقه جریان داشت با شرکت فعال خود در این مبارزه و هدایت آن توانست توده ها را متشکل کند . رفیق در جریان یورش دوم ارتجاع و جنگ گسترده در کنار خلق کرد و سازمان ماصیما و با انرژی هرچه بیشتر فعالیت پرداخته و که خود نمونه درختانی از انضباط پذیری در تشکیلاتی سیاسی بود ، اجازه نداد که منافع فردی وی یاد لبستگی بزندگی عادی خللی در اراده مصمم و بولادینش وارد آورد .
 رفیق عطا بهنگام اجرا نما موریتند ارکاتی در جاده سقز بهانه بوسیله مزدوران جنایت پیشه دشمن شناسایی شد و مورد حمله قرار گرفت . رفیق عطا همراه رفیق دیگر در لاورانه جنگید و در حالیکه قهرمانانه میرزید مورد اصابت نارنجک دشمن قرار گرفته بود شهادت رسیده و غنچه ابدی یکسراز جوانان انقلابی کردستان به گل نشست . . .
 گرامی باد یاد رفیق شهید عطا برآزنده !

تیمور حسینیانی . . .

کس دره بیخود خیالی
 زود توانست مسایلی را که رفقا پیش در دانشگاه در باره زندگی بردارد و زنج زحمتکشان و علت فقر و بدبختی آنها مطرح می کردند ، جذب نماید و به مبارزه برآورد . . . مبارزات توده ها علیه رژیم شاه خائن هرچه بیشتر توجیه میگرفت و پهنه مبارزات دانشجویی دیگر در دانشگاه بلکه تمام سطح جامعه شده بود . رفیق تیمور نیز همگام با سیل خروشان توده ها و ایبایی آنها تا قیام شکوهمند ۲۲ بهمن برای سرنگونی سلطنت ننگین شاهنشاهی یکدم از پای ننشست . بعد از قیام رفیق در تشکیل اتحادیه دهقانان در منطقه " نه لاین " (اطراف سردشت) نقش فعال داشت و مردم را در جنگ با فئودالها و خلع سلاح کمیته فتوادی " تجاره قلعه " (بین سردشت و پیرانشهر) متشکل نمود . . .
 رفیق تیمور در جریان ضرباتی که پیشمرگان به نیروهای مزدور رژیم جمهوری اسلامی مستقر در کامیاران ، فرودگاه سنندج و ستونهای اعزامی از کامیاران به سنندج وارد میکردند فعالانه شرکت نمود و جسارت توانایی بسیاری از خود نشان داد او همچنین در آگاه سازی و تشکل دهی روستائیان منطقه به خصوص جوانان نقش مهمی بعهده داشت . . . رفیق تیمور بعد از پنج ماه مبارزه خستگی ناپذیر در روستاهای اطراف کامیاران به بوکان بازگشت و با بعهده گرفتن مسئولیست دسته ای از پیشمرگان سازمان (دسته شهید نجم الدین) به همراه توده های زحمتکش به ادامه مبارزه بر علیه متجاوزین به حقوق زحمتکشان کردستان و سایر خلقهای ایران پرداخت . رفیق آنی از مبارزه ناپسند تابدانجا که خون پاکش در راه طبقه کارگر زحمتکشان سراسر ایران کرد .

گرامی باد یاد شهید تیمور حسینیانی !

به راهبری چینی پیشرو ، کریکاران
 مه قال ته یموور
 ته ستیره می سور
 پو لوی نوری خیماتی دور
 نه ستیره می کشی قالای سور
 په یمان ! په یمان !
 هه قال ته یموور " ریبوار " ۲۲ / ۸ / ۵۹

« بوقه یمووری چه سه نیمانی »

هه قال ته یموور !
 پو لوی نوری خیماتی دورور
 به یادی خوشه بیست ترین ههاله کان
 با ههل برین چریکه ی خیم
 به سرودی ته ی شه هیدان
 با بوت بلین گورانیه گهی :
 تو نا مری چاوه کانم
 له هر کوی بی . . . له گهل مانی
 پد یمانت بو تازه دهکه یین
 بو توی پیشمرگه ی رمنجه ران
 ته ستیره می کشی قالای سورور
 هه قال ته یموور !
 په یمان ! په یمان !
 له کوردستانی شورش ران
 له قملی خویناوی ئیران
 په یمان ! په یمان !
 که وک تاگر به رینه گیانی دوزمنان
 په یمان ! په یمان !
 له بیرنه که یین دهمسکانی " هه قال لنینین "
 وک بو لوزمو کیزه لووکه
 وک سیلاوو وک بروسکه
 ریشه کیش کمن ریشه می گلای زورداران
 تا دنیا دمبته بهمار بو هه ژاران

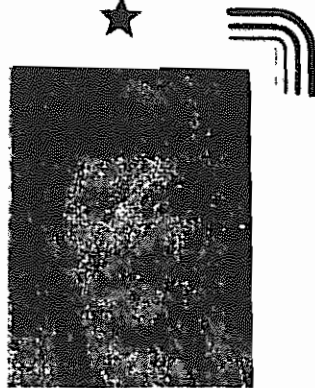
شعر فوق سروده شاعر مبارز رهپوا است که به مناسبت شهادت پیشمرگه شهید تیمور حسینیانی سروده

جاودان باد خاطره شهدای بخون خفته خلق کرد

جاودان باد خاطره پیشمرگان شهید



رفقا



عطا پرازنده ★ تیمور حسینی

رفیق تیمور حسینی در جریان یک نبرد دلاورانه شهادت رسید . رفقای سازمان در بوکان بمناسبت شهادت این رفیق اعلامیه ای منتشر نمود مانند کبک خشهاکتی انرا در اینجا میاوریم :

۲۷ مهر شمی بود که پیشمرگه قهرمان تیمور حسینی در جریان حمله دو دستفاز پیشمرگان سازمان به مقر سپاه پاسداران و جاشهای ضد خلق در سفز بعد از وارد آوردن ضربه توسط پیشمرگان در حال عقب نشینی مورد اصابت گلوله مرتجعین ضد خلق قرار گرفت و چند لحظه بعد به شهادت رسید

رفیق تیمور در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده خرد مالک در روستای قازلیان

استوار
چون سنگری کمریا کرده است
می ستیزد
و با هر تیر
کینه بکین را
بر قلب چرکین دشمنان
شلیک میکند
او کمونیست است
ارمانش
رهائی زحمتکشان
و سرمایه اش
تفنگ آوست
مرگش را
دشمن هرگز نخواهد دید!
زیرا مرگ او
په بلندی آفتاب است
که روشنایش
بر پهن شدت شهرها
بر گشتزارهای رنج
و بر کارخانه های
مهد انقلاب
گسترده میشود

پیشمرگه قهرمان ، رفیق عطا پرازنده ، طی یک نبرد شجاعانه با نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روز ۱۲ / ۷ / ۵۹ به شهادت رسید و خون پاکش نهان آزادی طبقه کارگر را بیاری نمود .

کمیته کردستان سازمان ، بمناسبت شهادت این رفیق اعلامیه ای منتشر نمود ، است که بخشهایی از انرا در اینجا نقل میکنیم :

"رفیق عطا پرازنده در سال ۱۳۳۵ در روستای علی آباد در یک خانواده زحمتکش در منطقه افشار تکاب بدنیا آمد . از همان دوران کودکی با فقر و محرومیت توده های ستمدیده دهقانی آشنا رفیق در سال ۱۳۵۵ وارد دانشکده امیروری ایلام شد . . . و بصورت یکی از فعالین

ز روستاهای اطراف بوکان دید مبعضان گشود رفیق در دانشگاماسایل سیاسی آشنا شد و از آنجائی که بطور عینی در جریان زندگی زحمتکشان قرار داشت و فقر و رنج آنها را از نزدیک مشاهده



جینی دانشجویی درآمد رفیق دوران شکوهمند قیام خلقهای ایران فعالانه شرکت داشت و از جان مایه میگذاشت و در زمان بخاطر انجام وظایف انقلابی هواداری سازمان بیکار را پذیرفته بقیه در صفحه ۲۱